

روشنما

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره هجدهم • دی ۱۳۹۱ • شماره پیاپی ۱۰۲

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی



مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: محمدرضا حشمتی
شورای برنامه ریزی و کارشناسی:
منصور ملک عباسی، علی اصغر جعفریان
فرحناز حدادی و لیلی محمدحسین
مدیر داخلی: فاطمه محمودیان
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: ندا عظیمی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی،
پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹
تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۲
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
وبگاه: www.roshdmag.ir
پيام‌نگار: rahnamayi@roshdmag.ir

تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد سر دبیر: ۱۱۵
کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶
شمارگان: ۴۰۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

- ۲ آرزوی تحول / محمدرضا حشمتی
- ۳ معماری مدارس ما معلول است یا فرزند من؟ / ثمانه ایروانی
- ۶ هفت عادت و ویرانگر معلمان / منا خاطری
- ۱۰ کشف پیام‌های موجود در رفتار و زبان / لیلی محمدحسین
- ۱۲ مدیر مدرسه، مسئول آموزش / دکتر نیره شاه‌محمدی
- ۱۶ دهان آزاردهنده / دکتر احمد مختاریان
- ۱۸ اول خودمان، سپس دیگران / مریم مختارپور
- ۲۱ پالایشگاه انسان سازی / فاطمه اسکندری
- ۲۲ پر تو امید / لیلا سیدقاسم - زهره تمیم‌داری
- ۲۴ زندگی تصویری / محمد شاکر - مهدی رضاییان
- ۲۶ مدرسه صمیمی، مدرسه یادگیرنده / خیریه بیگم حائری‌زاده
- ۳۵ طریقه بانداز دست و پا / دکتر سیدعلی محمودی
- ۳۶ سارقان اطلاعات / آرمان صوفیانی
- ۳۸ نشریات معلمان جهان / معصومه خیرآبادی
- ۴۰ خودباوری و تولید ملی / آرام احمدپور
- ۴۳ آسمان پرستاره / علی کاظمی
- ۴۶ پیام‌های آسمان چه پیامی دارند؟

طراح جلد: ندا عظیمی

– مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
– کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج شوند.
– مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیترهای فرعی در متن و سوتیتر باشد.
– معرفی‌نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.
– مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است.
– مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
– آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبنی بر رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

– مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
– مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
– مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی سی‌دی یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند.
– نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
– محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.

آرزوی تحول

محمدرضا حشمتی



معماری مدارس ما معلول است یا فرزند من؟

ثمانه ایروانی



بارها شنیده‌ایم که در مدرسه در ساعت ورزش یا بازی دانش‌آموزی دچار حادثه شده است. پس از آن نیز گاهی شاهد حضور دانش‌آموزی با پای گچ گرفته و حرکت با عصا در مدرسه هستیم.

مدرسه به عنوان محل زندگی دانش‌آموزان چه امکان مناسبی باید داشته باشد تا این دانش‌آموزان مجروح و معلول نیز بتوانند از کلاس درس استفاده کنند.

در نوشته زیر با نگاهی به این موضوع مهم، راهکارهایی پیشنهاد شده است.

که یکی دو تا نیستند، مهم‌ترین مسئله مدرسه‌اش بود. چرا که شش هفت ساعت در روز را آنجا بود و خدا می‌داند چند بار به خاطر بلند کردن ویلچر روحت شکسته بود.

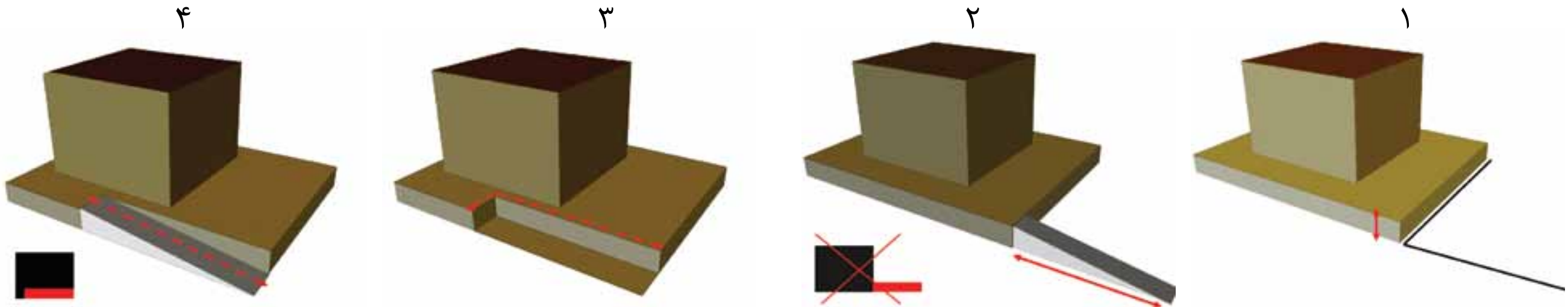
هر روز با ماشین خودم امین را به مدرسه می‌بردم. برادرش ایمان از او کوچک‌تر بود و در همان مدرسه در قسمت ابتدایی درس می‌خواند. سرویس مدرسه نمی‌توانست در این زمینه به من کمکی بدهد؛ آن هم به این دلیل که اتوبوس آن‌ها جای مشخصی برای ویلچر نداشت. از همه مهم‌تر، برای پیاده شدن، هر روز باید منتظر دو نفر از کارکنان مدرسه می‌شد تا او را از اتوبوس پایین بیاورند. امین هر روز خسته‌تر و عصبانی‌تر می‌شد. اینکه تو بتوانی راه بروی و بعد دیگر نتوانی، یا حداقل هر جا که دلت خواست نتوانی بروی، تو را اذیت می‌کند. آزارت می‌دهد. او با نشستن روی صندلی مشکلی نداشت. با راه رفتن هم مشکل نداشت. آنچه به شدت عصبانی‌اش می‌کرد و من فشردن دستان او را روی چرم دسته ویلچر احساس

بعد از آن اتفاق کذایی که برای فرزندم افتاد، منظورم تصادف راه شمال در تابستان پارسال است، رفتن به مدرسه برای پسرم بسیار مشکل شد. شاید سه چهار ماه طول کشید تا پسر ۱۲ ساله من بتواند صندلی ویلچر را بپذیرد و روی آن بنشیند و با دستان کوچک و نحیفش چرخ‌هایش را بچرخاند تا بلکه حرکتی بکند. وقتی پذیرفت که آن پاهای آن کفش‌ها، آن دودین‌ها و آن توپ‌ها دیگر به کارش نمی‌آید و باید به گونه‌ای دیگر راه برود، تنها می‌توانست یکی دو روزی در هفته را بیرون از خانه باشد و این برایش بسیار سخت بود. منزلمان را نیز عوض کردیم، چون برای رسیدن به آسانسور باید هر دفعه به خاطر سه پله ناچیز صندلی چرخ‌دار را بلند می‌کردیم و می‌گذاشتیم روی سطح بالاتر و بعد او خودش می‌توانست به سمت آسانسور برود؛ اما این بلند کردن صندلی روحت را آزار می‌داد. برای من این مهم نبود، اما آنچه آزارم می‌داد، این بود که او فکر می‌کرد من اذیت می‌شوم و این بیشتر کمرم را می‌شکست. مشکلات

یک سال از مصوبه هشتصد و پنجاه و یکمین شورای عالی آموزش و پرورش مبنی بر نحوه استقرار نظام جدید آموزشی می‌گذرد. در این مدت درباره تحول بنیادین آموزش و پرورش بسیار شنیده و گفته‌ایم. سال آینده تحصیلی (۹۳-۹۲) موج تغییر ساختار به دوره راهنمایی تحصیلی - متوسطه اول - خواهد رسید. ما معلمان بنا به گفته مسئولان آموزش و پرورش که قرار است در رأس اقدامات آموزش و پرورش و سند تحول بنیادین باشیم باید آمادگی‌های لازم را برای تحقق این برنامه مهم داشته باشیم، زیرا اجرای درست هر برنامه‌ای، در همه سطوح آن، از اهمیت اساسی برخوردار است. برنامه اجرا نشده همانند برنامه تولید نشده است و اجرای ناکارآمد، فضا را برای تولید و اجرای برنامه مشابه در آینده هم غبارآلود می‌کند. ما مدت‌هاست آرزوی تحول بنیادین آموزش و پرورش را در دل خود داشته و داریم. اما همواره نگرانیم که اگر به تمام ابعاد و الزامات و اقتضائات آن توجه نشود، خدای ناکرده دلسردی ایجاد کند. موفقیت در اجرای برنامه تحول بنیادین در سطح مدرسه و کلاس درس به پذیرش برنامه و توانایی اجرای آن از سوی عاملان اجرا وابسته است. تجربه‌های گذشته در آموزش و پرورش همه کشورها بیانگر این نکته مهم است که یکی از دلایل عمده شکست اجرای برنامه‌های تحول یا اصلاح در نظام‌های آموزشی مطرح شدن پیشنهاد تغییر از طرف مسئولان ستادی است.

این گروه همان کسانی هستند که توانایی‌ها، احساسات و عقاید مجریان تغییر را نادیده می‌گیرند. بدیهی است که رغبت به پذیرش برنامه جدید، به نگرش‌های مجریان (معلمان) نسبت به «نو» بودن و «برتری داشتن» برنامه بستگی دارد. صاحب‌نظران معتقدند که داشتن نگرش مثبت معلمان نسبت به برنامه تغییر، در موفقیت و شکست آن تعیین‌کننده است. همکاران محترم! مرحله اول اجرای برنامه جدید درسی «پذیرش» است و نگرش دست‌اندرکاران به برنامه، عامل مهمی در اجرای آن است. به عبارت دیگر، ما معلمان که دست‌اندرکاریم باید فهم کلی و جزئی از جریان تغییر و چگونگی اجرای اثربخش آن داشته باشیم.

داشتن دانش، بینش و تجربه شما عاملان اصلی تغییر (معلمان) در این زمینه بسیار مهم است. مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در نظر دارد در ارتباط با اینکه دانستن چه مواردی از تغییر برای معلمان می‌تواند زمینه‌ساز بهتر محقق شدن آن باشد، سلسله مطالبی را منتشر کند. گفت‌وگوی شما با همکاران دوره ابتدایی می‌تواند زمینه‌ای باشد تا دغدغه‌هایی را که در این فرایند با آن مواجه خواهید شد بهتر بشناسید. منتظر گزارش دغدغه‌ها و پیشنهادهای ارزنده شما برای انجام این رسالت بزرگ - زمینه‌سازی تحول بنیادین - هستیم.



چرا در مدرسه برای عبور و مرور بچه‌های با نیازهای ویژه تمهیدات مناسبی ندیده‌اند

می‌کردم، این بود که به ازای هر پنج متر راه رفتن، دوباره به یک مانع شهرسازی یا معماری در ساختمان‌های عمومی یا خیابان‌ها بر می‌خوردم و از ادامه راه باز می‌ماندم. مدرسه امین نیز از این قاعده همه‌گیر مستثنا نبود. او دانش آموز خوب مدرسه بود و امسال با ویلچر وارد آن شده بود. همان ابتدای در ورودی یک پله پنج سانتی وجود داشت. یعنی حیاط کمی پایین‌تر از سطح خیابان بود. شاید هر روز یک ربع زمان طول می‌کشید تا امین را به کلاس درسش برسانم. او در مراسم صبحگاهی شرکت نمی‌کرد، چون بعد از آن باید مزاحم معلمان یا کارکنان مدرسه می‌شد که او را از پله‌ها بالا ببرند و به کلاسی برسانند. مدرسه با تلاش من و دیگر والدین توانسته بود کلاسی را در طبقه پایین برای امین و همکلاسی‌هایش تدارک ببیند، اما آن هفت هشت پله اول ورودی ساختمان را چه باید می‌کردیم. هفت هشت پله‌ای که در اکثر ساختمان‌های عمومی این دوره و زمانه مثل خوره به جان مدارس افتاده‌اند. دیگر کفری شده بودم. عوض کردن مدرسه مانند خانه کار ساده‌ای نبود. امین مدرسه‌اش را دوست داشت و عوض کردن آن لطمه روحی بیشتری به او می‌زد. به همین دلیل تصمیم گرفتم به دیدار مهندس معمار و عمران این ساختمان بروم و بپرسم چرا در مدرسه برای عبور و مرور بچه‌های با نیازهای ویژه تمهیدات مناسبی ندیده‌اند. آقای مهندس به من گفت که من ابتدا رمپ را در ورودی مدرسه نمی‌پسندم و آن را عضوی زائد می‌دانم. اگر به ساختمان‌های دارای رمپ و سطح شیبدار نگاهی بیندازید، گویی یک سطح دراز و طولانی به گوشه‌ای از ساختمان چسبیده است که اصلاً با نمای ساختمان همخوانی ندارد. ضمن اینکه جای زیادی نیز می‌برد (شکل‌های یک و دو). دیگر اینکه اعتقاد داشت مگر ما در مدارس چند معلول

داریم؟ این عدد ممکن است به دو برسد. خوب آقای محترم، هر روز ایرانی‌های خیرخواه این صندلی را بلند می‌کنند و پسر شما را از پله‌ها بالا می‌برند و دیگر مشکل شما نیز حل می‌شود. شما نیز زیادی حساس هستید که به بنده ایراد می‌گیرید. بروید در شهرمان دوری بزنید، می‌بینید همه جا مانند ساختمان من رایج است و تعداد معلولان نیز بسیار کم. می‌بینید که هر وقت آن‌ها کمک خواسته‌اند، مردم کمکشان کرده‌اند و نیازی به ساختن رمپ در همه سطوح بالا آمده ساختمان نیست.

من ماندم به آقای مهندس چه بگویم، با اینکه می‌دانستم «در دسترس بودن تمام ورودی‌ها» برای معلولان جزو قوانین سازمان نظام مهندسی است و لازم‌الاجرا بودن آن قطعی است، اما چرا کسی این قضیه را به طور جدی بررسی نمی‌کند. البته کمی که منصفانه به این قضیه نگاه می‌کنم، با خودم می‌گویم مگر من نیز قبلاً به این موضوع فکر کرده بودم؟ من تا زمانی که امین این مشکل را نداشت، اصلاً موانع را نمی‌دیدم. ناهمواری‌های بسیار کوچکی که باعث می‌شود من این صندلی سنگین به همراه وزن پسر را احساس کنم. من بیمارگونه بودن ساختمان‌ها را در حرکت‌های انسان‌ها احساس نمی‌کردم. اصلاً نمی‌فهمیدم بر سر دوستان ما که مشکلات حرکتی اعم از ویلچر، فلج اطفال، سالخورگی و... دارند، چه می‌آید.

به دانشکده توانبخشی دانشگاه تهران مراجعه کردم و مشکلم را با آن‌ها در میان گذاشتم. خوشبختانه در آنجا استادی بود که معماری را به بنده معرفی کرد، و گفت ایشان در این زمینه بسیار پژوهش کرده است. او امیدوار بود این مهندس بتواند کمکی به بنده بکند. این بود که به دیدار آن مهندس معمار رفتم و گفتم آیا می‌شود رمپی را طراحی

کرد که زیبا باشد و لطمه‌ای به نما نزند تا معماران رغبت بیشتری برای طراحی و ساخت آن داشته باشند؟ ایشان گفت بله. شکلی شبیه شکل‌های ۳ و ۴ کشید و گفت اگر رمپ ما مانند شکل ۱ و ۲ باشد، حرف معماران قبلی درست است. یعنی رمپ مانند یک عضو زائد در نما عمل می‌کند. اما اگر از قبل رمپ را طراحی کنیم و جای مناسبی قرار دهیم، این مشکل تا حدود زیادی حل خواهد شد و رمپ در جلوی ساختمان حتی مانع دید انسان نیز نمی‌شود و شما به راحتی قادر خواهید بود ورودی ساختمان را ببینید. ضمن اینکه دوستان معلول ما دیگر نیازی به «همراه» نخواهند داشت. بلکه خود به راحتی مانند دیگر افراد جامعه حرکت می‌کنند و امورات خود را انجام می‌دهند. وقتی ما رمپ را ایجاد نمی‌کنیم، یعنی به فرد دارای مشکل می‌گوییم فقط یک بار باید از این پله‌ها به کمک همراه بالا یا پایین بروید. اما خودتان عاقلانه فکر کنید وقتی ما هفت هشت ساعت از روز را در جایی سپری می‌کنیم شاید لازم باشد یک مسیر یا پله را چندین بار طی کنیم. این یعنی آزادی در حرکت در هر زمان. و ما با نساختن رمپ و حتی با ساختن رمپ‌های اشتباه، امکان آزادی را از معلولان می‌گیریم.

من پرسیدم رمپ اشتباه؟ رمپ اشتباه چیست؟ ایشان گفت رمپی که استانداردهای حرکت را رعایت نکرده باشد، یعنی شیب مناسب، طول و عرض مناسب نداشته باشد. به عکس‌های شماره‌های ۵ و ۶ نگاهی بیندازید. عکس اول شیب مناسب دارد، یعنی طول رمپ از طول مفید راه پله بیشتر است. تقریباً دو برابر و نیم طول مجموع راه پله‌ها، طول رمپ یا شیب مناسب می‌شود. بسیاری از سازندگان این موضوع را رعایت نمی‌کنند و می‌خواهند در مساحتی کوچک رمپ را بسازند. خوب این تندری شیب و یا تیز بودن رمپ را در پی دارد و انسان عادی در راه رفتن از این شیب

باید احتیاط کند، یعنی نمی‌تواند به راحتی حرکت کند، چه برسد به اینکه کسی با ویلچر و بدون کمک همراه بخواند روی آن‌ها حرکت کند. صندلی او حتماً واژگون می‌شود و خطرات جدی برایش پیش می‌آید. در شکل شش که رمپ اشتباه داریم، ملاحظه می‌کنید که شیب رمپ بسیار زیاد است و حرکت حتی به اندازه دو پله نیز ناممکن است. از صحبت‌های آن معمار لذت بردم. نسبت به دریچه‌ای که به روی من باز شده بود، احساس شغف و پیروزی زیادی کردم. تصمیم گرفتم تمام عکس‌ها و صحبت‌ها را برای امین بگویم و با هم یک پروژه کوچک در مدرسه راه بیندازیم. در شماره بعد راجع به این برنامه بیشتر خواهیم گفت.

منتظر عکس‌های شما از ورودی‌هایی هستیم که تغییر کرده‌اند و رمپ‌های مناسبی برای آن‌ها تعبیه شده است. با ما در تماس باشید. نوشته‌ها پتان را به این نشانی برای ما بنویسید: samaneh@irvani.com





هفت عادت ویرانگر معلمان

مناخاطری

●●● دادن حق اظهارنظر به دانش آموزان

می توان این کار را به شیوه های متفاوتی انجام داد که عبارت اند از:

* تعیین قوانین مکتوب کلاسی به همراه دانش آموزان: اگر معلم دانش آموزان را در تعیین چارچوب های رفتاری روشن و دقیق (قوانینی که از نگاه دانش آموزان کیفیت را به زندگی مدرسه ای شان می افزاید) درگیر کند، ارتباط میان معلم و شاگرد بیشتر و بهتر می شود. افزون بر این، نه تنها احتمال ایجاد ناآرامی و بی نظمی در محیط آموزشی کمتر خواهد شد، بلکه احتمال دستیابی به فعالیت های مطلوب نیز افزایش خواهد یافت. افراد وقتی خودشان قوانین را تعیین می کنند، کمتر آن ها را زیر پا می گذارند.

* فهرست کردن نیازهای کلاس: یکی دیگر از شیوه های ایجاد فرصت برای اظهارنظر دانش آموزان، تهیه فهرست نیازهای کلاس است. معلم با استفاده از این راهبرد سال تحصیلی را با آموزش پنج نیاز اساسی آغاز می کند. پس از اینکه دانش آموزان با ساختارهای ژنتیکی که رفتارهایمان را برمی انگیزند آشنا می شوند، معلم تفاوت میان رفتار مسئولانه و غیرمسئولانه را با استفاده از تعاریف و توضیح های گلاسر توضیح می دهد. رفتار

در بخش های پیش به دو نیاز جسمانی و همچنین عشق و احساس تعلق در کلاس درس و اینکه چگونه معلم می تواند دانش آموزان را در برآورده شدن این نیازها یاری کند اشاره کردیم. اکنون به سه نیاز دیگر یعنی نیاز به قدرت، آزادی و سرگرمی اشاره خواهیم کرد.

●●● قدرت

بسیاری از معلمان از دانش آموزانی شکوه می کنند که آنان را درگیر «جنگ قدرت» می کنند. در حالی که اگر خود معلمان فرصت های به دست آوردن قدرت را برای دانش آموزان فراهم کنند، آنان تلاش بیشتری روی تکالیف خود خواهند کرد و مشکلات رفتاری شان به طور چشمگیری کاهش خواهد یافت؛ شاید هم کاملاً از بین برود. در این بخش راهبردهای بسیار دقیق و روشنی را شرح می دهیم که معلمان می توانند از آن طریق دانش آموزان را یاری کنند تا نیاز به قدرت را به شیوه های مسئولانه ارضا کنند؛ راهبردهایی مثل دادن حق اظهارنظر به دانش آموزان؛ گوش دادن به حرف های دانش آموزان؛ کاربست قواعدی در کلاس که دانش آموزان را در به دست آوردن توانمندی درونی در مدرسه یاری کند.

اگر معلم دانش آموزان را در تعیین چارچوب های رفتاری روشن و دقیق (قوانینی که از نگاه دانش آموزان کیفیت را به زندگی مدرسه ای شان می افزاید) درگیر کند، ارتباط میان معلم و شاگرد بیشتر و بهتر می شود

مسئولانه رفتاری است که ارضای نیازهایمان را امکان پذیر می سازد، بدون اینکه مانع از ارضای نیاز در دیگران شود. دانش آموزان در گروه های دو نفری یا چند نفری اما کوچک، رفتارهای مشخصی را فهرست می کنند که ارضای نیازهای روانی شان (عشق و احساس تعلق، قدرت، آزادی و سرگرمی) را به شیوه ای مسئولانه امکان پذیر می سازد. سپس معلم گفت و گوی همه کلاس را رهبری می کند تا بر سر فهرست رفتاری که گروه ها آن ها را تدوین کرده اند به توافق برسند. وقتی فهرست نیازها با رضایت دانش آموزان و معلم کامل شد، روی دیوار قرار می گیرد. دانش آموزان و معلم برای ارزیابی رفتارهایشان می توانند مانند قوانین مکتوب کلاسی گاه گاهی به این فهرست استناد کنند. همه باید هم به قانون مکتوب کلاس و هم فهرست نیازهای کلاس پای بند باشند. با هدف هماهنگ ساختن تصاویر ذهنی معلم و دانش آموزان در مورد کلاس درس کیفی و واقعیت، می توان نیازها را در هر زمان اصلاح کرد.

* تدوین برنامه آموزشی توسط خود دانش آموزان: این شیوه توانمندسازی دانش آموزان را نمی توان در هر درس یا مقطعی به کار برد، زیرا میزان کنترل استان ها و مناطق آموزش و پرورش بر محتوای دروس با هم متفاوت است. با این حال، در بسیاری از کلاس ها، معلمان می توانند انگیزه دانش آموزان را با درگیر کردن آن ها در فرایند تدوین برنامه آموزشی افزایش دهند.

●●● گوش دادن به حرف های دانش آموزان

یکی دیگر از اثربخش ترین شیوه های یاری افراد برای ارضای نیاز به قدرت، فقط گوش دادن به آن هاست. لزومی به موافقت با آن ها نیست، اما گوینده باید باور داشته باشد که به حرف های او گوش داده می شود و شنونده او را درک می کند.

●●● هفت عادت ویرانگر

این راهبرد به هفت رفتاری اشاره دارد که معلم باید از آن ها بپرهیزد. گلاسر این رفتارها را «هفت عادت ویرانگر» می نامد: «انتقاد کردن، سرزنش کردن، شکایت کردن، غر زدن، تهدید کردن، تنبیه کردن و رشوه دادن.» این رفتارها نه تنها ارتباط را از بین می برند، بلکه شکاف قدرت موجود میان معلم و شاگرد را بیشتر هم می کنند. گرچه از نظر گلاسر انتقاد مخرب ترین عادت ویرانگر است، اما شش عادت دیگر هم وضعی بهتر از آن ندارند. شاید سرزنش کردن و شکایت کردن به طور موقتی به معلم احساس کنترل بدهد، اما این عادت ها بر گذشته تمرکز دارند نه بر حل مشکل کنونی و تنها به ارتباط آسیب می رسانند. چهار عادت دیگر (غر زدن، تهدید کردن، تنبیه کردن و رشوه دادن) همگی فتونی زورگویانه هستند که برای مجبور کردن فرد به انجام کاری که دیگری می خواهد طراحی شده اند. هیچ یک از این هفت عادت، خودمهار۲، مسئولیت پذیری یا استقلال را به فرد نمی آموزند و همه آن ها به ارتباطی تأثیرگذار آسیب می رسانند. گلاسر پیشنهاد می کند، به جای تکیه بر هفت عادت ویرانگر، «هفت عادت مهرورزی۳» را جایگزین آن ها کنیم: توجه کردن و مهر ورزیدن، گوش دادن، حمایت کردن، همکاری و همیاری کردن، تشویق کردن، اعتماد کردن و دوستی کردن. این عادت ها به ویژه گوش دادن، دانش آموزان را توانمند می سازند و هم زمان حوزه تأثیرگذاری معلم را نیز بیشتر می کنند.

●●● آزادی

این برداشت نادرست وجود دارد که برای تأثیرگذاری بیشتر در کلاس، باید آن را کنترل کنیم. بعضی فکر می کنند هر چه بیشتر بر دانش آموزان تسلط داشته باشیم بیشتر می توانیم رفتارها و تصمیم های آنان را کنترل کنیم و در این حالت تأثیرگذاری بیشتر خواهد بود. پیامد چنین شیوه تفکر، حرکت به سوی ترسی جادوان است که همیشه همراه معلم وجود دارد و آن ترس از دست دادن کنترل کلاس است. بنابراین معلم همیشه در حال ایما و اشاره، نصیحت کردن، تردید داشتن، قضاوت کردن، پاداش دادن، یادآوری کردن و پیشنهاد دادن است و این کارها هرگز پایانی ندارند. اما نکته مهم این است که هر چه بیشتر برای کنترل کلاس

«انتقاد کردن، سرزنش کردن، شکایت کردن، غر زدن، تهدید کردن، تنبیه کردن و رشوه دادن»، نه تنها ارتباط را از بین می برد، بلکه شکاف قدرت موجود میان معلم و شاگرد را بیشتر هم می کند

هر چه بیشتر برای کنترل کلاس تلاش کنید
از هدف خود دورتر می‌شوید. در واقع
پیامد کنترل بیش از اندازه همان
رفتار نامطلوب بیشتر در
دانش‌آموزان است

تلاش کنید از هدف خود دورتر
می‌شوید. در واقع پیامد کنترل بیش
از اندازه همان رفتار نامطلوب بیشتر در
دانش‌آموزان است.

برنامه مدیریت کلاس خود را به مربعی تشبیه کنید.
چهار گوشه این مربع هر ضلع آن را از خطی پیوسته
جدا می‌کند. بیرون این خط نمایانگر همه رفتارهای
تهدید کننده یادگیری است، اما درون خط نشانگر آزادی
دانش‌آموزان برای یادگیری و لذت بردن از مدرسه است.
کار شما این است که از این حد و مرزها پاسداری کنید و
بر قوانینی که تعیین می‌کنید و پیامد آن‌ها، پای‌بند باشید.
برای یاری دانش‌آموزان به برآوردن نیاز به آزادی
می‌توان راهبردهایی را به کار برد؛ از جمله:

* نوآوری: اگر همه کارهایی که انجام می‌دهیم
ساختارمند و قابل پیش‌بینی باشد، به زودی همه
دانش‌آموزان خسته خواهند شد و حواسشان پرت می‌شود.
اگر بخواهیم توجه دانش‌آموزان را جلب، آن را حفظ و آنان
را به سوی یادگیری بهینه هدایتشان کنیم، باید نوآوری را
وارد برنامه‌های روزمره کنیم.

* انتخاب جای نشستن: یکی از شیوه‌های یاری
دانش‌آموزان در برآوردن نیاز به آزادی این است که به آن‌ها
اجازه دهید جای نشستن خود را انتخاب کنند. مسئولیتی را
که همراه با این آزادی خواهد بود با دانش‌آموزان در میان
بگذارید. مهم است بدانند که اگر انتخاب آنان نشستن
کنار دوستشان است از آن‌ها انتظار می‌رود به شما و بقیه
کلاس احترام بگذارند و با هم در طول درس حرف نزنند.
همچنین، باید روشن باشد که اگر با هم حرف بزنند، شما
اختیار تغییر جای آن‌ها را دارید.

* انعطاف برنامه روزانه یا هفتگی: گاهی باید چند
کار را در یک روز یا هفته به انجام برسانید، اما می‌توانید
در مورد اینکه چه زمانی این کارها انجام بگیرند انعطاف
داشته باشید. فرصت دادن به دانش‌آموزان برای یاری در
تعیین برنامه کار شیوه‌ای است ساده برای دادن فرصت
اظهارنظر در انجام کارها. افزون بر این، دانستن انتظاری
که در طول یک روز یا هفته از دانش‌آموزان می‌رود،
اضطراب آنان را کاهش و احتمال یادگیری بهینه و کیفی
را در آنان افزایش می‌دهد.

* انتخاب هم‌گروهی‌ها یا اعضای گروه: گاهی
می‌توانید به دانش‌آموزان آزادی بدهید هم‌گروهی‌هایشان
را خودشان انتخاب کنند.

●●● سرگرمی

پژوهش‌های امروز نشان داده‌اند
بهترین مربیان کسانی هستند که دانش‌آموزان خود را به
خوبی می‌شناسند. افرادی که دانش‌آموزان احساس می‌کنند
با آن‌ها ارتباط دارند. همه ما دوست داریم سرگرمی داشته
باشیم، اما گلاسز بر این باور است که ما باید سرگرمی داشته
باشیم.

برای لحظه‌ای بیندیشید به افرادی که برای بودن با
آن‌ها بیشترین انگیزه را دارید، مکان‌هایی که برای گذراندن
وقت در آنجا بیشترین انگیزه را دارید و کارهایی که بیش
از هر کاری برای انجام آن‌ها انگیزه دارید. بدون شک،
این‌ها افراد، مکان‌ها و کارهایی هستند که بیش از همه
برای شما خوشایندند. شادی و سرگرمی انگیزه‌دهندگان و
تشویق‌کنندگان بسیار اثربخشی هستند! این چیزی است
که همه ما خواهان آن هستیم. اما خواسته ما چیزی فراتر
از سرگرمی است. شادی و سرگرمی نیز مانند دوست
داشتن و دوست داشته شدن، قدرت، آزادی و بقاء، چیزهایی
است که به آن‌ها نیاز داریم. اگر بخواهیم انگیزه یادگیری
در دانش‌آموزان وجود داشته باشد، سرگرمی باید بخشی
همیشگی در کلاس درس باشد. همان‌طور که گلاسز
می‌گوید، «وقتی هم‌زمان در حال یادگیری و شادی کردن
هستیم، در چنین شرایطی، با اشتیاق سخت‌کوشی می‌کنیم
و ساعت‌های زیادی را مشغول انجام دادن فعالیت هستیم.
کار کردن بدون داشتن سرگرمی به رنج بردن و جان‌کندن
تبدیل می‌شود.»

فعالیت‌های سرگرم‌کننده و شادی‌آفرین در کلاس
درس را می‌توان به چهار گروه سازماندهی کرد: بازی‌های
بدنی، بازی‌های فکری، بازی‌های نمایشی و فعالیت‌هایی
که فقط سرگرمی و بازی هستند. شما خودتان در درسی
که می‌دهید و سطح نمره‌های درستان از مهارت کافی
برخوردارید. بنابراین، در انتخاب بازی‌های مناسب برای
دانش‌آموزانتان خرد خود را به کار بگیرید و با خلاقیت
خودتان فعالیت‌ها را متناسب با کلاس تغییر دهید.

شادی و سرگرمی
انگیزه‌دهندگان و
تشویق‌کنندگان بسیار اثربخشی
هستند! این چیزی است که
همه ما خواهان آن
هستیم

●●● بازی‌های بدنی

بازی‌های بدنی تنها برای آموزش جسمانی مناسب
نیستند، بلکه برای هر نوع کلاسی فایده‌هایی دارند. این بازی‌ها
در ابتدا برای دانش‌آموزان تغییری خوشایند در شیوه آموزشی
هستند در حالی که در کلاس‌های معمولی «دانش‌آموزان باید
در کلاس بی‌حرکت بنشینند و آموزش ببینند». رویکردی
که دانش‌آموزان در کلاس‌های دیگر آن را تجربه می‌کنند.
اما این بازی‌ها آنان را در برآوردن نیاز آزادی یاری می‌کند.
همچنین، بازی‌های بدنی فرصت تمرین مهارت‌های
اجتماعی و عادت‌های شخصیتی را فراهم می‌کند.

از طرف دیگر، برای دانش‌آموزان نیروزا
هستند، خون و اکسیژن را به مغز
می‌رسانند و زمانی که دانش‌آموزان
به جاهای خود برمی‌گردند، از نظر
فیزیولوژیکی آمادگی بیشتر و بهتری
برای یادگیری دارند. به این ترتیب،
دانش‌آموزان دلیل خوبی برای اشتیاقی بودن
در کلاس شما خواهند داشت.

●●● بازی‌های فکری

بسیاری از دانش‌آموزان از بازی‌های فکری نیز به اندازه
بازی‌های جسمی لذت می‌برند. بازی‌های فکری برای همه
سودمند هستند و افراد را یاری می‌کنند مهارت‌های تجزیه و
تحلیل و خلاقیتشان پرورش یابد. همچنین فکر کردن «به
شیوه‌ای متفاوت و با دیدگاهی تازه» را نیز بیاموزند. افزون
بر این، برای معلمان نیز فایده‌هایی دارند: به فضای اضافه
نیاز ندارند، با وسایل موجود در کلاس می‌توان آن‌ها را انجام
داد و به دانش‌آموزان می‌آموزند که فکر کردن می‌تواند بسیار
سرگرم‌کننده باشد.

بازی‌های فکری را می‌توان به شیوه‌های گوناگونی انجام
داد: برخی از معلمان معملاً روز برای کلاس خود طرح
می‌کنند. گروهی دیگر برای تغییر از درسی به درس دیگر، یا
پیش یا پس از نهار یا کلاس ورزش، از این بازی‌ها استفاده
می‌کنند. گروهی نیز بازی‌های فکری را به عنوان بخشی
جدایی‌ناپذیر از واحد آموزشی به کار می‌برند. دانش‌آموزان
را درگیر واحد تازه می‌کنند یا اینکه دانش و مهارت آنان را
پس از آموزش با استفاده از بازی‌های فکری تقویت می‌کنند.
هرگاه این بازی‌ها را اجرا کنید، با شنیدن صدای خنده (گاهی
از شدت خنده زیاد صدای ناله می‌شنوید) و دیدن لبخندهای
(پیشانی‌های چین‌خورده) دانش‌آموزان شاد خواهید شد.

●●● بازی‌های نمایشی

اگر کودکی‌تان را به یاد بیاورید، احتمال دارد یکی از
وقت‌گذرانی‌های مورد علاقه شما بازی‌های خیالی و نقش
بازی کردن بوده باشد. در بازی‌های «بیا وانمود کنیم»،
ممکن بود شخصیتی داستانی با عروسکی را که خودتان
درست کرده بودید در نقش مقابل خود قرار دهید یا وانمود
کنید که مادر، روستایی، سرباز، یا حتی معلم هستید. در
کودکی، دنیای خیالی ما، که اساس خلاقیتمان است، فعال و
زنده است. اما وقتی بزرگ می‌شویم و خواسته‌های
دنیای بیرونی و خواسته‌های زندگی روزمره
جای خلاقیت کودکی را می‌گیرند، کم‌کم
خلاقیتمان نیز از بین می‌رود. بازی‌های
نمایشی ما را در عملی کردن و به کار
بردن خلاقیت یاری می‌کنند. بدین
شیوه می‌توانیم استعداد خلاقیتی را که در
کودکی داشته‌ایم بازیابیم. بازی‌های نمایشی
نه تنها بر خلاقیت دانش‌آموزان می‌افزایند، بلکه
فایده‌های دیگری نیز دارند. مثلاً مهارت‌هایی را در

دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند که برای موفقیت در زمینه‌های
گوناگون زندگی به آن نیاز دارند: تمرکز، دقت، مدیریت
خود، خودانگیختگی و اعتماد به خود. افزون بر این، بسیاری
از بازی‌های نمایشی مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان را
افزایش می‌دهند: گوش دادن، بیان حالت‌ها و احساسات
خود و بیان اندیشه‌ها. و بالاخره، بازی‌های نمایشی به
دانش‌آموزان برای حرکت کردن، تعامل کردن و لذت
بردن از دو گونه از آزادی (آزادی برای و آزادی از) را
فرصت می‌دهد. با اجرای بازی‌های نمایشی در کلاس به
دانش‌آموزان خود اجازه می‌دهید به جای سروصدا کردن در
بیرون از کلاس، این کار را در کلاس انجام دهند.

پی‌نوشت

1. Seven Deadly Habits
2. Self-discipline
3. Seven Caring Habits
4. Brainteaser

منابع

1. www.ascd.org/publications/books/104020/chapters/Power-in-the-Classroom@-Creating-the-Environment.aspx
2. www.smartclassroommanagement.com/2011/09/17/why-freedom-is-a-powerful-classroom-management-strategy
3. www.mipamsu.org/glasser-in-the-j-classroom

کشف پیام‌های موجود در رفتار و زبان

لیلی محمدحسین

مدیر مدرسه منطقه یک تهران

من در نقش معلم، قدرت فوق‌العاده‌ای دارم که می‌توانم زندگی کودکی را نابود کنم یا آن را بسازم. می‌توانم ابزاری برای شکنجه یا منبعی برای الهام باشم. می‌توانم کسی را تحقیر یا با او شوخی کنم، می‌توانم احساسات دانش‌آموز را جریحه‌دار سازم یا درد او را التیام بخشیم. در تمام این موقعیت‌ها، واکنش من تعیین‌کننده این است که بحرانی شدت یا کاهش پیدا کند. و با کودک رفتاری انسانی یا غیرانسانی شود. کتاب «بین معلم و کودک» هیم گینوت را ملاحظه کنید (نیویورک، نشر کولیر بوکز، ۱۹۹۵).

در شماره گذشته مطرح شد که معلمان می‌توانند در کلاس درس ضمن توافق با دانش‌آموزان فضای گفت‌وگویی ایجاد کنند و از مجادله کردن بپرهیزند. علاوه بر آن، واژگان معلمان در گفت‌وگو با دانش‌آموزان یا زمانی که تکالیف آنان را ارزیابی می‌کنند، بسیار اهمیت دارد. روزی معلمی دانش‌آموزی را که گویا رابطه چندان خوبی با مدرسه و درس خواندن نداشته است کنار می‌کشد و به او می‌گوید: «سارا، انشای آخری که به من تحویل دادی محشر بود. فکر می‌کنم در کلاس بهترین بود.»

بعد از ظهر آن روز، والدین سارا از این حیرت می‌کنند که وقتی دخترشان از مدرسه به خانه رسید، تکالیفش را زود شروع کرد و زود هم تمام کرد. او به پدر و مادرش گفت: «امروز عاشق مدرسه شدم. در همه کلاس‌ها خیلی چیزها

یاد گرفتم و کارم را بدون اینکه به من یادآوری کنند، انجام دادم. معلم انشا از مقاله‌ام واقعاً خوشش آمده بود. اصلاً نمی‌دانستم که مدرسه می‌تواند این قدر باحال باشد.» تا قبل از این اتفاق، سارا فکر می‌کرد احمق (خنک) است، چون در طول بیش از هفت سال، بیش از یک معلم این حس را به او منتقل کرده بودند. وقتی مادرش راجع به تأثیر تعریف و تحسین معلم انشا به او گفت، معلم گفت: «خیلی متشکرم که به من گفتید. می‌دانم که شخصیت من نسبتاً تند است و گاهی اوقات این قدر سرم شلوغ است که غالباً راجع به چیزهایی که حرف می‌زنم فکر نمی‌کنم. دنبال راهی بودم که با سارا ارتباط برقرار کنم. از مقاله‌ای که نوشته بود بسیار خوشم آمد. دنبال فرصت‌های مناسب بیشتری هستم تا او را تشویق کنم.»

غالباً وقتی افراد نسبت به دیگران در موقعیت قدرتمندی هستند، استفاده از زبان بی‌اعتبارکننده – زبانی که به دیگری این حس را منتقل می‌کند که معیوب و ناقص است – می‌تواند تأثیر بلندمدت‌تری از آنچه آن‌ها فکر می‌کنند داشته باشد. بسیاری از دانش‌آموزان نمی‌توانند موقعیت‌های اجتماعی را خوب درک کنند، ولی پیام‌های منفی معلمان بلند و واضح دریافت می‌شوند و سال‌ها می‌مانند؛ بسیار روشن‌تر از درسی که ارائه می‌کنند. وقتی حین تمرین برای یک نمایش کلاسی معلم به دانش‌آموزی می‌گوید: «عزیزم، سعی نکن بخونی... فقط کلمات را لب بزن»، آن شخص دیگر هر وقت افراد جمع می‌شوند تا آواز بخوانند، ساکت است. یا وقتی مربی در زمین بازی

معلمان گاهی علائم غیر کلامی هم می‌فرستند؛ مثلاً با روشی که تکالیف را نمره‌گذاری می‌کنند. وقتی روی تکلیف یک علامت قرمز می‌گذارند، در حقیقت برای دانش‌آموز پیام قضاوت و سرزنش می‌فرستند

به کسی می‌گوید: «همیشه آخرین نفر هستی، نه؟» آن فرد ممکن است برای همیشه ورزش را ترک کند. معلم قصد ندارد احساسات بچه را جریحه‌دار کند، احتمالاً او از علامتی که فرستاده ناآگاه است. ولی باید آگاه باشیم که این تجربه‌ها، برای دانش‌آموزان بسیار زیانبار است.

معلمان گاهی علائم غیر کلامی هم می‌فرستند؛ مثلاً با روشی که تکالیف را نمره‌گذاری می‌کنند. وقتی روی تکلیف یک علامت قرمز می‌گذارند، در حقیقت برای دانش‌آموز پیام قضاوت و سرزنش می‌فرستند. یا وقتی برگه‌های امتحانی را به ترتیب از بالاترین تا پایین‌ترین نمره به دانش‌آموزان برمی‌گردانند، یا حتی وقتی از دانش‌آموزان می‌خواهند برگه‌های یکدیگر را صحیح کنند، احتمالاً به عده‌ای از دانش‌آموزان پیام‌های منفی منتقل می‌شود.

این روش‌ها برای دانش‌آموزان به این معنی است که عملکرد ضعیف به اطلاع عموم می‌رسد. وقتی مدیری به معلمی می‌گوید که با روش در پیش گرفته، شاگردانش را دستپاچه می‌کند و معلم پاسخ می‌دهد: «خب، من وقت ندارم این همه برگه را صحیح کنم». چنین معلمی، کارایی‌اش از احترام او به اکثر دانش‌آموزان کلاسش پیشی گرفته است. همه افرادی که در موقعیت صاحب قدرت یا رهبری هستند، مانند پدر و مادرها، معلم‌ها و مدیران، ممکن است با توسل به قانون اصلی طبابت، خوب عمل کنند.

اول از همه صدمه‌ای نزنید. راهنمایی هیم گینوت برای ارتباط مؤثر – بین اولیا و فرزند یا معلم و دانش‌آموز – این است که رو به موقعیت حرف بزنید نه رو به یک هویت یا

وقتی می‌گویید	ممکن است بشنوند...	ولی شما می‌توانید با گفتن چیزی شبیه به این، آن وضعیت را به فرصتی برای یادگیری تبدیل کنید:
«متوجه آن نمی‌شوی / آن را نمی‌فهمی»	توانایی درک آن را نداری.	آیا سعی کرده‌ای این طوری به آن نگاه کنی؟
«پس دوباره تکلیفت را فراموش کردی!»	«بی‌مسئولیتی!»	«برای اینکه تو تکلیفت را به موقع ارائه دهی، از چه کمک یا راهکاری می‌توانیم استفاده کنیم؟»
«خیلی کُندی!»	«نمی‌فهمی!»	«دوست داری در این قسمت از انجام تکلیف کمکت کنم؟»
«نه، در اشتباهی.»	«نمی‌فهمی!»	«چه چیزی تو را به این پاسخ هدایت کرد؟ از کجا می‌دانی که پاسخ درستی است؟ چه جور دیگری ممکن است به آن نگاه کنی؟ یا «پاسخت خوب است، ولی این پاسخ سؤال ما نیست.»
«خیلی داری تلاش می‌کنی، ولی باز هم نمره الف نمی‌گیری.»	«مهم نیست چقدر تلاش می‌کنی، خوش‌حالم می‌بینم که خیلی زیاد تمرین کرده‌ای.»	«متوجه هستم که واقعاً داری پیشرفت می‌کنی، خوش‌حالم می‌بینم که خیلی زیاد تمرین کرده‌ای.»

شخصیت. آنچه در جدول آمده است، نمونه‌هایی از جملات بدون فکر هستند که این علامت را می‌فرستند. «تو یک چیزی‌ات می‌شود»، و در برابر هر جمله، جایگزین‌هایی که راه را برای یادگیری پرثمرتر می‌گشاید، ارائه شده است. اصل نهفته در هر یک از جایگزین‌ها این است: به جای توصیف چیزی درباره دانش‌آموز، مشاهده‌ای درباره وی بیان کنید؛ بگذارید دانش‌آموز در کشف اینکه بعد چه کار باید بکند با شما شریک شود.

منبع

Ginott Haim (1995), Between Teacher and Child, Collier Books, New York.



مدیر مدرسه، مسئول آموزش

دوره‌های آموزش ضمن خدمت پژوهش محور در سوئد

در کشور سوئد آموزش ضمن خدمت از اواخر قرن ۱۹ به عنوان ابزاری برای قانونمند کردن دروس و ساختار آموزشی طراحی و اجرای رسمی آن‌ها توسط ایالات این کشور در اواسط قرن بیستم شروع شد. تا قبل از آن، اتحادیه‌های معلمان با توجه به نیازهای فردی معلمان، نوعی دوره‌های آموزشی را برگزار می‌کردند.

در سال ۱۹۶۲، بر مبنای تصمیمات مجلس ملی سوئد، مدارس پایه (ابتدایی) تشکیل و اصلاحات آموزشی در مدارس تکمیلی متوسطه اعمال شد. در نتیجه، نظام درسی جدیدی برای مدارس پایه و متوسطه کشور شکل گرفت. نظام جدید آموزشی، هم‌زمان با برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت، طی دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت. طی ۲۰ سال منتهی به دهه ۱۹۸۰، اعتبارات کشوری نیز به منظور پرداختن به دوره‌های آموزش ضمن خدمت، به همراه فراهم کردن دوره‌ها و فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور برای معلمان، به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. در همین راستا دولت سوئد نهادهای مرکزی آموزش ضمن خدمت

را تشکیل داد که در رأس آن‌ها انجمن ملی آموزش قرار داشت. در همان اثناء، انجمن‌های آموزشی ایالتی با برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت، به تربیت مشاوران آموزشی در سطح ناحیه‌ای پرداختند. در اواخر دوره ۲۰ ساله مذکور، امتیاز معافیت از پرداخت مالیات‌های آموزشی لغو و دوره‌های آموزش ضمن خدمت، به عنوان ساعات کاری کلیه کادر آموزشی مدارس کشور، تلقی شد.

در جولای سال ۱۹۹۵ برنامه درسی ملی سوئد تغییر کرد. این موضوع نقطه عطفی در تاریخ آموزش و پرورش سوئد بود، زیرا برنامه درسی جدید مبنایی برای ایجاد فرایند تغییر در مدرسه و کار معلمان محسوب می‌شد. در این سال‌ها تلاش بر آن بود که نظام آموزشی از حالت متمرکز و نظارت مستقیم دولت بر مدارس، به سوی غیرمتمرکز و مدرسه محوری تغییر یابد. رابطه بین تحقیقات آموزشی و تجربیات مدرسه‌ای که در ابتدا از بالا به پایین و بر مبنای استفاده از نتایج تحقیقات دانشگاهی در برنامه‌های آموزشی مدرسه و تدریس بود، به انجام تحقیقات توسط معلمان

از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت تغییر یافت. هدف از این کار، کسب استانداردهای بالای کیفی تدریس و آموزش بود.

امروزه از آنجا که در برنامه درسی جدید به معلم آزادی عمل زیادی داده شده است تا بتواند خودش روش تدریس و موضوع آن را مشخص کند، کلیه دوره‌های آموزش ضمن خدمت بر تقویت دستیابی به اهداف ملی و توسعه فعالیت‌های آموزشی مدارس استوار شده است. در همین راستا برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت به افزایش دانش، مهارت‌ها و ادراک کادر آموزشی مدارس کشور منجر شده است.

همچنین، دولت در این دوره‌ها بر کار گروهی معلمان و تأثیر دوره‌ها بر دانش‌آموزان تأکید می‌کند. تفاوت اساسی و عمده این نظام (غیرمتمرکز) با نظام متمرکز قبلی در آن است که معلمان خود فرایند آموزش‌های ضمن خدمتشان را برنامه‌ریزی، ارزیابی و کنترل می‌کنند و بیشتر بر مشکلات درس تأکید می‌شود تا بر روش‌شناسی آموزش.

مراکز برنامه‌ریز و مجری دوره‌های آموزشی

از سال ۱۹۹۰ در سوئد برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت بر عهده شهرداری‌ها و مسئولیت تعیین اهداف دوره‌های آموزشی پایه (ابتدایی) و متوسطه و پیگیری و ارزشیابی فعالیت‌های محلی بر عهده دولت است. از ژانویه ۱۹۹۱، شهرداری‌ها به عنوان کارفرمایان معلمان کشور، از اختیارات تام برخوردار شدند و طبق قوانین آموزشی، با تخصیص بودجه‌های خاص، به برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای توسعه توانایی‌های کادر آموزشی ملزم شدند.

همچنین، دولت با اختصاص بودجه‌ای به آژانس ملی آموزش، به هدایت این گونه فعالیت‌ها در نواحی برخوردار از اهمیت ملی (مناطق استراتژیک) بیشتر مبادرت می‌کند و این در حالی است که تنها اداره‌کنندگان مدارس مسئولیت برگزاری دوره‌های آموزشی مذکور را عهده دارند؛ یعنی مدیر موظف است که در بودجه و سرانه مدرسه مبلغ خاصی را برای این گونه آموزش‌ها در نظر بگیرد و آن را در درخواست بودجه سالانه خود، برای بهبود مدرسه، منظور کند. این بودجه فقط در صورتی در اختیار مدرسه قرار می‌گیرد که مدرسه در اجرای دوره‌ها با دانشگاه همکاری نزدیک داشته باشد. آژانس ملی آموزش همچنین بر برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت، به عنوان بخشی از برنامه‌های درازمدت توسعه مدارس کشور، در جهت تحقق اهداف تأکید می‌کند. اهدافی مثل:

- تغییر نظام هدایت آموزشی مدارس
- تعیین اهداف ملی معین برای مدارس کشور
- ارزشیابی ملی مدارس کشور

از دیگر نهادهای مهم برگزارکننده دوره‌های آموزشی کوتاه مدت در سوئد، دانشگاه‌ها، کالج‌های دانشگاهی کشوراند که در حال حاضر نیز رو به گسترش هستند. علاوه بر آن سازمان نشر دانش، سازمان معلمان و سایر ادارات ایالتی نیز در زمره برگزارکنندگان این گونه کلاس‌ها محسوب می‌گردند. نهادهای محلی آموزشی نیز از طریق قوانین آموزشی به نظارت بر حضور مستمر معلمان در دوره‌های آموزشی مذکور مبادرت می‌کنند.

تأکید بر آموزش مبتنی بر فناوری اطلاعات در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت

طی سال ۱۹۹۸ طرح گسترده‌ای به منظور توسعه توانایی‌های معلمان در حوزه ICT در مدارس به اجرا درآمد، به گونه‌ای که بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲، نیمی از معلمان، در دوره‌های گوناگون آموزشی، با کاربرد فناوری اطلاعات به عنوان ابزار حرفه‌ای آموزشی آشنا شدند.



کلیه دوره‌های آموزش ضمن خدمت بر تقویت دستیابی به اهداف ملی و توسعه فعالیت‌های آموزشی مدارس استوار شده است





مدیر موظف است که در بودجه و سرانه مدرسه مبلغ خاصی را برای این گونه آموزش ها در نظر بگیرد و آن را در درخواست بودجه سالانه خود، برای بهبود مدرسه، منظور کند. این بودجه فقط در صورتی در اختیار مدرسه قرار می گیرد که مدرسه در اجرای دوره ها با دانشگاه همکاری نزدیک داشته باشد

برنامه ها و طول دوره های آموزشی

در سوئد کلیهٔ معلمان ملزم اند حداقل پنج روز در سال در دوره های آموزشی ضمن خدمت مدرسه محور شرکت کنند. این دوره ها به روش های بسیار متنوع و متفاوتی (بسته به نهاد برگزار کننده و شخص استفاده کننده) اجرا می شوند. آن دسته از معلمانی که در دوره های آموزشی شرکت می کنند، معمولاً مرخصی می گیرند و یا با جانشینان خود جایگزین می شوند. در غیر این صورت، دوره ها در روزهای مطالعاتی و حتی در تعطیلات رسمی و تعطیلات آخر هفته برگزار می شود.

تنها شرط لازم برای پذیرش در دوره های ضمن خدمت، اشتغال به کار معلمی در یکی از مدارس کشور است. علاوه بر این، برخورداری شرکت کنندگان از آموزش های تخصصی نیز الزامی است.

با توجه به اینکه در برنامهٔ درسی جدید، هر معلم باید روش های آموزشی مناسب را برای برآوردن نیازهای آموزشی و یادگیری دانش آموزان انتخاب کند و این امر از طریق روش های معمول آموزشی امکان پذیر نیست و مستلزم تمرکز بر مشکلات آموزشی کلاس درس است. لذا این امر خود درجه ای به روی اقدام پژوهی توسط معلم و همکاری بیشتر معلمان با محققان باز کرده است.

همچنین معلمان می توانند پس از اتمام دوره های آموزشی ضمن خدمت، با شرکت در دوره های تکمیلی ارائه شده توسط دانشگاه ها، به ارتقای تحصیلی و توانمندی های خود در زمینه های گوناگون بپردازند. این دوره ها دو بخش نظری و عملی دارند که بخش تئوری به صورت فردی یا گروهی اجرا می شود. همچنین دوره های آموزشی می توانند موضوع گرا باشند و بر روش های آموزشی، پرورشی و مسائل تئوریک آموزش و پرورش تأکید کنند.

امروزه محوریت دوره های آموزشی ضمن خدمت در کشور سوئد، پرورش معلم پژوهشگر و انجام مطالعات موردی توسط آنان است. به منظور تحقق این امر، ارتباط بین محققان و معلمان الزامی است که این امر به دو روش صورت می پذیرد:

* تعامل بین محققان و معلمان در مدرسه: این امر به بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدارس کمک می کند. تحقیقاتی که از این طریق انجام می شوند، حول وحوش مشکلات معلمان در مدرسه و کلاس درس مانند راهبردهای دانش آموزان برای جست و جوی دانش جدید، راهبردهای یادگیری رایج بین دانش آموزان، لذت یادگیری و نگرش دانش آموزان نسبت به دروس ریاضی و فیزیک است. معلمان با بررسی تحقیقات انجام شده و اجرای تحقیقات و پژوهش های جدید و به بحث و گفت و گو گذاشتن یافته ها، از دانش جدید برای تغییر تجربیات تعلیم و تربیتی خود استفاده می کنند. مطالعات نشان داده اند که بسیاری از معلمان کارهای تحقیقاتی بسیار بالارزشی را از این طریق انجام داده و مستند سازی کرده اند.

* تعامل بین معلمان و محققان در دانشگاه: دانشگاه از طریق دوره های ضمن خدمت، دروس متفاوتی را برای معلمان ارائه می دهد که اغلب آن ها در زمان های آزاد تشکیل می شوند و با رشتهٔ تحصیلی و حوزهٔ تدریس معلمان مربوط اند. دوره هایی نیز مرتبط با اقدام پژوهی به طور خاص برای معلمان برگزار می شود. این دوره ها روی تغییرات در نظام مدرسه، چگونگی کار گروهی و چگونگی همکاری بین مدارس تأکید می کنند.

هالینگ ورت و سوکت^۱ مزایای انجام اقدام پژوهی توسط معلم را به این شرح می دانند:

- زمینه های همکاری و هماهنگی نزدیک بین مدارس و دانشگاه ها ایجاد می شود.
- پژوهش از جایی که نیاز به اقدام است شروع می گردد.
- خرد جمعی، محور مرکزی کسب دانش قرار می گیرد.
- تحقیقات به تغییرات فردی و اجتماعی، برنامهٔ درسی و آموزشی می انجامد.

شیوهٔ اجرای دوره های آموزشی مبتنی بر اقدام پژوهی

معلمان در طول سال تحصیلی معمولاً به مدت ۱۳ روز در دوره های آموزشی ضمن خدمت شرکت می کنند. در این دوره ها، معلمان به گروه های کوچک تر تقسیم می شوند (هشت معلم در هر گروه) و روی یک مشکل مشترک کار می کنند. در گروه های مذکور ممکن است هر معلم یک کار پژوهشی در کلاس درس خود انجام دهد یا اینکه کل اعضای گروه یک کار مطالعاتی را اجرا کنند که برای اجرای آن به طور مرتب با هم نشست هایی دارند و روی موضوع مورد بررسی بحث و گفت و گوی گروهی می کنند.

زمان معلمان برای شرکت در دوره های آموزشی به چند شکل تقسیم می شود:

- پنج روز آموزش برای کلیهٔ معلمان که در زمینهٔ اقدام پژوهی و تأثیر آن بر بهبود کیفیت آموزشی مدرسه انجام می شود.

- مسئولیت برنامه ریزی شش روز دیگر را معلمان به عهده دارند که در شش روز مورد نظر به بحث و گفت و گو، مطالعه و انجام تحقیقات فردی تحت نظارت دانشگاهیان (اعضای هیئت علمی) می پردازند.

- دو روز آخر به برگزاری سمینار اختصاص می یابد. این زمان با تعطیلات تابستانی مدارس مصادف است و معلمان می توانند کار خود را ارائه دهند و به دریافت بازخورد لازم از سایر معلمان و تبادل تجربه بپردازند.

موضوعاتی که معمولاً معلمان بر بررسی آن در کلاس درس توافق دارند عبارت اند از:

- شایستگی های متفاوت اجتماعی دانش آموزان
- چگونگی استفادهٔ دانش آموزان از رایانه
- چگونگی مستند سازی کارهای دانش آموزان در پروندهٔ تحصیلی آن ها
- شیوه های یادگیری دانش آموزان

مزایای شرکت در دوره های آموزشی

در هنگام تعیین میزان حقوق افراد، مدارک جدید دوره های آموزش ضمن خدمت در نظر گرفته می شود و معمولاً شرکت در کلاس ها باعث افزایش حقوق می شود. علاوه بر این، گذراندن دوره های مذکور سبب توانایی معلم در تدریس دروس تخصصی می شود. در نتیجه، این قابلیت ها ممکن است به ایجاد فرصت های جدید تدریس در سطوح بالاتر آموزشی بینجامد.

دوره های آموزشی ضمن خدمت مدیران

در ابتدا آموزش ملی رؤسای مدارس کشور منحصرأ در مدت زمان کوتاهی توسط سازمان های تجاری برگزار و تأمین اعتبار می شد. این در حالی است که در پایان دههٔ ۱۹۶۰ ترم های کوتاه مدت آموزش ضمن خدمت با محتوای آموزشی و مدیریتی طراحی شد. در سال ۱۹۷۶ طرح کلی تربیت رؤسای مدارس به تصویب رسید و طبق آن، دولت و شهرداری ها عهده دار مسئولیت اجرا و نظارت بر آموزش ضمن خدمت رؤسای مدارس شدند. بعدها طرح تربیت رؤسای مدارس به تصویب مجلس ملی سوئد رسید. مجری این طرح دانشگاه ها و دانشکده هایی بودند که

از آژانس ملی و آموزش، بودجهٔ دولتی دریافت می کردند. طرح ملی تربیت رؤسای مدارس ویژهٔ آن دسته از افرادی بود که مطابق قوانین آموزش، به عنوان رؤسای مدارس ملی، با مدارس مستقل همکاری می کردند. پذیرش افرادی که قبلاً در چنین برنامه ای حضور نداشتند با مشاورهٔ شهرداری مناطق مربوطه صورت می پذیرفت. آژانس ملی آموزش اخیراً در حال بازبینی اهداف و اصول کلی طرح ملی تربیت رؤسای مدارس است. هدف چنین بازبینی هایی افزایش توان مدیریت آموزشی رؤسای مدارس و اعمال سیاست های ارتباطی دموکراتیک در برنامه های آموزشی و تدارک امکانات بیشتر

و بهتر برای مدارس تحت نظارت شهرداری های کشور است. رؤسای مدارس در جهت اجرای مسئولیت های خود، مطابق با برنامه های درسی و ابزارهای قانونی دوره های آموزشی رفتار می کنند. دوره های آموزشی ویژهٔ رؤسای مدارس در طول ساعات کاری ارائه می شوند و شامل سمینارها و ترم های آموزشی نظارتی هستند. پس

از اتمام برنامه، گواهی نامه ای به شرکت کنندگان اعطا می شود. ارزیابی تحصیلی آموزش های فوق را واحدهای دانشگاهی و آژانس ملی آموزش انجام می دهد.

پی نوشت

1.Hollingworth & Socket

منابع

- 1.Marklund, Sixten; Eklund, Harald. (2003), “Innovation in In-Service Education and Training of Teachers - Sweden”, Centre for Educational Research and Innovation., Sweden
- 2.Rönnerman, Karin. (2004): Relying on Teachers: a new Swedish in-service method for school development, British Journal of In-Service Education, 22:2, 175-183
- 3.Rönnerman, Karin. (2008), “In-service Training for Teachers - a "Forced" Co-operation between Schools and Universities”, Göteborg University, Sweden
- 4.Marklund, Sixten; Eklund, Harald. (2003), “Innovation in In-Service Education and Training of Teachers – Sweden”, Centre for Educational Research and Innovation., Sweden



معلمان با بررسی تحقیقات انجام شده و اجرای تحقیقات و پژوهش های جدید و به بحث و گفت و گو گذاشتن یافته ها، از دانش جدید برای تغییر تجربیات تعلیم و تربیتی خود استفاده می کنند

دهان آزاردهنده

دکتر احمد مختاریان
دبیر مدرسه منطقه دو تهران

دهان و حفره دهانی به دلیل داشتن دندان، زبان، غدد بزاقی و عضلات مربوط به جویدن غذا، از اعضای دستگاه گوارش شمرده می‌شود و به دلیل داشتن زبان و دندان‌ها در تکلم و سخن گفتن به حنجره کمک می‌کند و به دلیل عبور هوا از آن به دستگاه تنفس تعلق دارد. دهان محلی است که در آن دستگاه گوارش و تنفس و سخن گفتن با یکدیگر پیوند می‌خورند. اهمیت دهان در همین ویژگی منحصر به فرد آن نهفته است که در هیچ یک از اندام‌های دیگر بدن دیده نمی‌شود. این وضعیت و جایگاه، اهمیت توجه به بهداشت دهان را چند برابر می‌کند. دهان سالم علاوه بر اینکه در ارتقای سطح سلامتی دستگاه‌های گوارش و تنفس و تکلم نقش ممتازی را بازی می‌کند، در حفظ یا ارتقای جایگاه اجتماعی و نگاه مردم به شخصیت فرد نیز اثرگذاری بالایی دارد. دندان‌های جرم گرفته زرد یا سیاه و ناقص، ظاهر انسان را نازیبا و گاهی بسیار زشت جلوه‌گر می‌کند. همچنین، دندان‌های جرم گرفته زرد یا سیاه یا ناقص نگاه منفی مردم را متوجه فرد می‌کند. این دندان‌ها در تکلم و گوارش نیز اثرات نامطلوبی می‌گذارند. دهانی که از آن بوی زننده و متعفی به مشام می‌رسد، باعث رنجش دیگران و کاهش میزان علاقه‌مندی آن‌ها به برقراری یا ادامه ارتباط با فرد می‌شود. چنین دهان و دندان‌ی تهدیدکننده‌ای جدی برای سلامت استخوان‌های فک بالا و پایین، شش‌ها، معده، روده‌ها و قلب است.

بیباید با اهمیت دادن به بهداشت دهان و دندان، خود را از عواقب سوء آن برکنار داریم. این آثار منفی عبارت‌اند از:

- ارائه ظاهری نازیبا به بینندگان به دلیل سفید و تمیز نبودن دندان‌ها

- آزار رساندن به دیگران به دلیل بوی بد دهان
- کاهش سطح ارتباط با دیگران به دلیل منتقل شدن بوی بد دهان به مشام آن‌ها

- ابتلا به بیماری‌های استخوان‌های فکی به دلیل انتقال میکروب به آن‌ها
- ابتلا به بیماری‌های ریوی و تنفسی به دلیل انتقال عفونت و میکروب به دستگاه تنفس
- ابتلا به بیماری‌های گوارشی به دلیل انتقال غذاهای فاسد شده به معده و روده
- ابتلا به بیماری‌های دریچه‌ای قلب به دلیل انتقال باکتری‌های زیان‌آور به دریچه‌های قلب از راه خون

توجه داشته باشید که بیشترین و شدیدترین آزار و خسارتی که دهان و دندان‌های غیرسالم و بهداشتی ایجاد می‌کنند آزار و اذیتی است که در درجه اول متوجه همسر - این رکن رکن و مهم زندگی - و سپس به ترتیب متوجه فرزندان، خانواده و دوستان خواهد بود، زیرا آن‌ها از بیشترین زمان برخورد با ما بهره‌مند هستند.

چگونگی پیدایش بوی بد دهان

دهان یکی از مراکز اصلی وجود و تجمع انواع باکتری‌ها در بدن است. غذاهای خورده شده - اعم از مایعات و جامدات - تحت تأثیر این باکتری‌ها قرار می‌گیرند و به آرامی تجزیه می‌شوند. نتیجه این تجزیه شدن تبدیل شدن مواد غذایی به مولکول‌های ریزتر برای گوارش بهتر است. همراه با این فرایند، مقداری مواد بودار که غالباً بوی بدی نیز دارند تولید می‌شود. این فرایند مانند فاسد شدن مواد غذایی و لاشه حیوانات مرده است، به همین دلیل، بوی تولید شده بسیار ناراحت‌کننده خواهد بود. این بو و مواد بودار با عمل بازدم و سخن گفتن به بیرون از دهان منتقل می‌شود و به مشام دیگران می‌رسد. در عمل دم (نفس کشیدن) این مواد بودار به درون حنجره، ریه‌ها و معده وارد می‌شوند. از آنجا که این بو حاصل مواد فاسد شده در دهان است ممکن است باقی مانده غذای فاسد شده به معده یا ریه برود و در آنجا باعث بروز

بیماری‌هایی شود. باکتری‌های مؤثر در این فرایند نیز ممکن است وارد شش‌ها، معده، خون یا قلب شوند و بیماری‌ها و مشکلاتی را پدید آورند. البته این بو می‌تواند به دهان و دندان‌ها مربوط نباشد و از قسمت‌های دیگر بدن مانند معده، شش‌ها یا بینی منشأ گرفته باشد. در هر حال، انتقال بوی بد دهان حاصل خروج هوا از دهان است.

علت‌های رایج بوی بد دهان

- باقی ماندن ذرات غذایی در دهان و لابه‌لای دندان‌ها
- وجود دندان‌های ناسالم (کرم خورده و فاسد) در دهان.

در این حالت، بخش‌هایی از غذای خورده شده در حفره‌های موجود در دندان کرم خورده باقی می‌ماند و حتی با مسواک زدن نیز خارج نمی‌شود و پس از چند ساعت متعفن و بدبو می‌شود.

- عفونت لثه‌ها که می‌تواند به صورت خفیف (ژنژویت) یا شدید (پوره) باشد.

- عفونت یا وجود ترشحات و چرک بد بو در بینی
- برخی بیماری‌های بینی مانند انحراف تیغه بینی یا بیماری رینوفیما

- عفونت در دستگاه گوارش به ویژه عفونت‌های معده
- اختلال در کارکرد دریچه بین انتهای مری و ابتدای معده. این دریچه با انقباض خود (بسته شدن کامل) مانع از بازگشت غذا به مری و همچنین مانع از خروج بوی غذاهای گوارش یافته به سمت دهان می‌شود. اگر این دریچه به طور کامل بسته نشود بوی تند و زننده محتویات معده - هر چند مقدار آن کم باشد - به سمت دهان بالا می‌آید. این حالت مانند آن است که فرد چندین بار در طول روز دچار تهوع و استفراغ شود.

- عفونت در دستگاه تنفس
- استفاده از سیگار و مواد مخدر
- استفاده از مشروبات الکلی

درمان و راه حل

با توجه به آنچه در بالا گفته شد، درمان و برطرف کردن بوی بد دهان کاری بسیار ساده و آسان است و با اندکی مراقبت و عزم و دلسوزی نسبت به خود و دیگران می‌توان آن را برای همیشه برطرف کرد.

- روزانه ۴ تا ۵ بار دهان را با آب پر کنید و پس از گرداندن آب در دهان آن را تخلیه کنید (آب گردان کردن دهان و شستشوی آن).

- پس از هر بار غذا خوردن دهان را آب گردان کنید و حتماً از خلال دندان و به ویژه نخ دندان استفاده کنید. توجه داشته باشید که دفعات مسواک زدن نباید از سه بار در ۲۴

ساعت تجاوز کند، زیرا باعث صدمه رساندن به دندان‌ها و بافت دهان می‌شود.

- از نوشیدن آب در طول روز غافل نباشید، زیرا آب باعث شسته شدن دهان می‌شود.

- با مراجعه به دندان‌پزشک نسبت به درمان دندان ناسالم و فاسد و بیماری‌های لثه و عفونت‌های آن اقدام کنید.

- با مراجعه به پزشک عمومی یا متخصص گوش و حلق و بینی برای درمان عفونت‌های بینی و ترشحات آن (مانند سینوزیت) اقدام کنید. بررسی ساختار بینی و مناسب بودن جریان هوا در آن و همچنین سالم بودن بینی از اهمیت بالایی برخوردار است.

- با مراجعه به متخصص گوارش یا متخصص بیماری‌های داخلی مشکلات گوارشی را برطرف کنید.
- با مراجعه به متخصص بیماری‌های تنفسی نسبت به درمان بیماری‌های ریه اقدام کنید.

- استفاده از سیگار و مواد مخدر یا نوشابه‌های الکلی را برای همیشه کنار بگذارید. در صورت نیاز، برای حل مشکل اعتیاد به این سه دسته مواد، به روان‌پزشک یا متخصص درمان اعتیاد مراجعه کنید.

در پایان باید گفت مردم ایران همگی انسان‌های دین‌داری هستند و در هیچ دینی، ضرر رساندن به بدن یا آزار دیگران روا شناخته نشده است. اسلام عزیز صدمه به خود و از بین بردن سلامت فردی را گناه می‌داند، همچنان که آزار رساندن به دیگران را از گناهان کبیره شمرده است. به علاوه پیامبر گرامی اسلام (ص) به پاکیزگی دهان اهمیت فراوان می‌دادند و فرموده‌اند: «دهان‌های شما مسیر عبور کلمات قرآن عزیز است. پس این راه را پاکیزه نگه دارید.»

مسئلاً همه ما اگر روزانه قرآن مجید را تلاوت نکنیم، نماز می‌خوانیم و چندین بار سوره‌های مبارکه و شریفه حمد، توحید و قدر را تلاوت می‌کنیم و بر پیامبر اکرم (ص) که دوست‌داشتنی‌ترین مخلوق خداوند در نزد اوست صلوات می‌فرستیم. پس چه بهتر که هم خالق، هم رسول، هم قرآن و هم خلق را با داشتن دهانی پاکیزه خشنود و راضی کنیم.



اول خودمان سپس دیگران

درس‌هایی از آیت‌الله مجتبی تهرانی درباره تربیت

تلخیص و تنظیم: مریم مختارپور



امروزه در نظام‌های تعلیم و تربیت، علاوه بر توجه به جنبه‌های علمی و معرفتی معلم، به تأثیر عوامل غیر معرفتی نیز تأکید زیادی می‌شود. سنت و سیره اهل بیت (ع) بیانگر این نکته است که توجه به این امر می‌تواند تأثیر آموزه‌ها را بیشتر کند. یکی از این موارد شأن خودساختگی قبل از زمینه‌سازی برای رشدیافتگی دیگران است. آنچه به آن پرداخته می‌شود، نگاهی است گذرا به این امر مهم که آیت‌الله مجتبی تهرانی مورد مذاقه قرار داده است.

امام علی (ع): مَنْ تَدَبَّ بِأَدَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ آذَاهُ إِلَى الْفَلَاحِ الدَّائِمِ (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۲۱) کسانی که می‌خواهند روش رفتاری به دیگران بدهند و قصدشان تربیت کردن دیگران است و به تعبیر دیگر، مربیان جامعه هستند، باید شرایطی داشته باشند. اولین و مهم‌ترین آن‌ها این است که مربی باید ابتدا خود را ساخته و تربیت و اصلاح کرده باشد تا بتواند دیگران را اصلاح کند. اگر مربی خود را نساخته باشد، تربیت او یا بی‌فایده است

یا مضر. دومین شرط این است که مربی خودش را در جمیع ابعاد وجودی، چه از نظر عقل و چه از نظر قلب و چه از نظر نفسانی، در سه بُعد شهوت، غضب و وهم کنترل کرده باشد. آنچه که در این بحث تقدم دارد «بعد نفسانی» است؛ یعنی مربی باید شهوت، غضب و وهم خود را کنترل کند.

انبیای عظام برای این مبعوث نشدند که انسان‌ها را به دنیا و مادیات دعوت کنند، بلکه آن‌ها آمدند تا جلوی این سه قوه را که در هر انسانی وجود دارد، بگیرند. یعنی می‌خواهند جلوی

شهوت، غضب و وهم را بگیرند و آن‌ها را مهار کنند؛ و الا گرایش به دنیا و مادیات در نهاد هر انسانی هست و همه از درون خود کششی به سوی دنیا دارند. این قوا به طور افسار گسیخته انسان را به سوی دنیا و مادیات می‌کشاند. انبیا هم آمده‌اند جلوی این افسار گسیختگی را بگیرند. مواردی را که غالباً انسان با آن‌ها درگیر است، نسبت به او برجستگی دارد و مبتلا به اوست، در رابطه با قوه شهوت و غضب، مطرح می‌کنیم:

پول و مال

اول مسئله مال است. مال یکی از مواردی است که انسان به مقتضای شهوت خود به دنبال آن است. انبیا نسبت به مال به ما می‌گویند: انسان نباید مال را از هر راهی تحصیل کند و به دست آورد. اگرچه شیطان درونی انسان و چه بسا برخی شیاطین بیرونی، انسان را دعوت کنند، انسان نباید از حدود الهی تجاوز کند. دست به هر مالی نزن!

امام صادق (ع) فرمودند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يُدِيرُ ابْنَ آدَمَ فِي كُلِّ شَيْءٍ». البته این روایت را به دو صورت می‌شود خواند؛ هم «یُدیر» درست است و هم «یُدیر». شیطان این طور است که قوه واهمه انسان را احاطه می‌کند و نسبت به هر چیزی، دور انسان می‌گردد؛ یعنی حواسش جمع است که در موقعیتی او را به زمین بزند. «فَإِذَا أَعْيَاهُ» وقتی خسته‌اش کرد، «جَثَمَ لَهُ عِنْدَ الْمَالِ» وقتی مسائل مالی مطرح شد، به روی انسان می‌جهد و «فَأَخَذَ بِرَقَبَتِهِ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۱۵) گردش را می‌گیرد و دیگر رهاش نمی‌کند.

مربی باید ابتدا خود را ساخته و تربیت و اصلاح کرده باشد تا بتواند دیگران را اصلاح کند

جاه و مقام

نقطه ضعف دیگری که در انسان وجود دارد، حب مقام، جاه و ریاست است. این نقطه ضعف با نیروی غضب و خشم مربوط است. علما در مباحث اخلاقی می‌گویند: لذت جاه و مقام لذیذتر از لذت مال است. یعنی ریاست خیلی بیشتر به انسان می‌چسبد، لذا کسانی که مبتلا به حب جاه هستند، مالشان را فدا می‌کنند تا به ریاست برسند. بزرگان می‌گویند: لذت ریاست، جاه و مقام، بیش از لذت مال است.

شهوت جنسی

مورد دیگر مربوط به نفس شهوت جنسی است. انبیا برای این آمده‌اند که شهوت جنسی انسان را نیز مهار کنند. پیام انبیا «محدود کردن» است، نه نفی کلی! تذکر: یک وقت اشتباه نشود و افراطی‌گری در معارف به وجود نیاید. انبیا نیامدند جلوی تحصیل مال را از هر طریقی مثل تجارت، کسب، زراعت و صناعت بگیرند. نمی‌گویند نکاح نباشد! این‌ها به طور کلی مقابل این قوا و کشش‌های نفسانی نایستاده‌اند. این تمایلات را خداوند در وجود آدمی قرار داده است. او خیر محض است و هر چه را در عالم وجود آفریده است، جنبه خیر و صلاح دارد. ولی چون انسان بی‌نهایت را می‌طلبد و درخواستش در این موارد هیچ حد و مرزی ندارد، انبیا هم آمده‌اند جلوی بی‌بندوباری را بگیرند.

لذا وقتی ما به معارفمان، چه آیات

و چه روایات، مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم اولین موضوع، موضوع بازدارندگی است. یکی از آیات شریف قرآن که ما در فقه هم به آن تمسک می‌کنیم و در به دست آوردن احکام مربوط به معاملات نیز نقشی اساسی دارد، این است: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء/ ۲۹). آن‌هایی که اهل دقت هستند، اگر به آیه توجه کنند، می‌فهمند که روح این آیه بازدارندگی است. اول می‌فرماید: اموالتان را بین خودتان به سبب باطل نخورید! حرف و پیام اول، «بازدارندگی» است. اول می‌گوید: «نخورید!» بعد می‌گوید: «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ». بعد از نهی، استثنا می‌کند که اگر از راه صحیح باشد، اشکال ندارد. راه‌های باطل برای به دست آوردن مال زیاد است و نیازی به توضیح ندارد. اما قرآن می‌فرماید فقط از راه درست کسب مال کنید. این روح دعوت قرآن درباره مال است و مطابق با همان غرضی است که انبیا برای آن آمده‌اند.

اصلاح نفس یعنی تربیت، تأدیب و مؤدب کردن نفس به آداب الهی

«ازدواج» هم برای جلوگیری از فجور و فحشاست. ما در باب نکاح می‌بینیم که روح دعوت به نکاح، برای بازدارندگی و کنترل آن است. اگر در باب نکاح به آیات مراجعه کنید، خواهید دید روح کلی همه دستورات درباره قوای جنسی، «تحدید، مرزبندی و جلوگیری از فجور و زنا» است.

یعنی قرآن می‌خواهد جلوی بی‌بند و باری را بگیرد و انبیا هم به دنبال محدود کردن این کشش‌ها هستند.

تعادل در دعوت انبیا

اگر خوب دقت کنید می‌بینید که انبیا آمدند تا در این روابط نیروی شهوت، غضب و وهم انسان را مهار کنند. اگر کسی بگوید انبیا می‌خواهند این قوا را از بین ببرند، حرفش مخالف نظام اتم است.

از امام علی (ع) روایت است که فرمود: «النفوس طلقه» (ناصرالدین انصاری قمی، غررالحکم، ص ۲۳۵)، «نفوس» یعنی مجموعه سه نیرو «طلقه» یعنی بی‌بندوبارند. نفس انسان می‌خواهد در هر سه بعد شهوت، غضب و وهم به طور مطلق آزاد باشد و هر طور که این قوا می‌خواهند رفتار کند. مرز شناسی در نهاد شهوت، غضب و وهم است. «لکن ایدی العقول تمسک اعتتها عن التحوس» (همان)؛ ولیکن دستان عقل افسار نفس را می‌کشد و او را باز می‌دارد. شرع با عقل هم‌سو است، لذا دست‌های عقل است که نفس را

مهار می‌کند و او را از بی‌بندوباری‌ها بازمی‌دارد تا نفس به چیزهایی که نه شرع می‌پسندد و نه عقل بر آن صحه می‌گذارد، آلوده و به دام نحس‌ها گرفتار نشود.

در روایات ما موضوع هواهای نفسانی بسیار مورد توجه است. منظور از این هواها همان خواسته‌هاست؛ خواسته‌های شهوی، غضبی و وهمی. حتی وقتی کسانی از اهل بیت سؤال می‌کنند که انسان چه موقع راحت می‌شود و راه رسیدن به راحتی چیست، ایشان جواب می‌دهند: زمانی که با خواسته‌های نفسانی‌اش، که به طور گسترده عمل می‌کنند، مخالفت کند.

راحتی در مخالفت با نفس است!

در روایتی از امام صادق (ع) که از مواعظ حضرت هم هست، آمده است: «قِيلَ لَهُ أَيْنَ طَرِيقُ الرَّاحَةِ؟» به حضرت عرض شد: راه رسیدن به راحتی چیست؟ «فَقَالَ (ع) فِي خِلَافِ الْهَوَى» (ابومحمد حسن حرانی، تحف‌العقول،

پالایشگاه انسان سازی

فاطمه اسکندری

تربیت و آموزش همین آدم، دچار ساده‌انگاری می‌شویم و می‌خواهیم با دو ابزار ساده تشویق و تنبیه او را تربیت کنیم.

به این فکر می‌کردم که حرف‌ها و نصیحت‌های گرانقدر ما اگر به مثابه همان نفت خام باشند و آدم همان پالایشگاه نفت باشد، برای آنکه این حرف به عمل بنشیند و در عمل به کار فرد آید، چقدر متخصص و چه تخصص‌هایی لازم داریم؟ نفت خام حرف‌های ما از کدام مسیر باید بگذرد تا به نگرش تبدیل شود؟ کدام مسیر آن را به جهان‌بینی فرد تبدیل می‌کند؟ در کدام مسیر و در چه مرحله‌ای به باور تبدیل می‌شود؟ در چه مرتبه‌ای به تعهد و اخلاق و الزام اخلاقی درمی‌آید؟

داشتم به همه این‌ها فکر می‌کردم که بچه‌ها سوار ماشین شده بودند و ما آماده برگشت به مدرسه. بچه‌ها خوشحال بودند که توانسته‌اند با جریان پالایش آشنا شوند و من در فکر این بودم که این پالایشگاه انسانی را چگونه باید شناخت؟!

بچه‌ها را برای بازدید از پالایشگاه تهران برده بودیم. دیدن آن صحنه‌ها حیرت‌انگیز بود! دستگاه‌های عظیم و لوله‌های بزرگ پریچ‌وخم دستگاه‌های تقطیر. صدها نفر در شیف‌های متعدد کار می‌کردند تا نفت خام از این دالان‌ها عبور کند، تجزیه شود و مواد سبک و سنگین از هم جدا شوند و از یک ماده به نام نفت سیاه، ده‌ها ماده دیگر به دست آید.

پالایشگاه مکانی صنعتی است که برای ورود به آن باید آموزش دید و مهارت آموخت و ورزیدگی به دست آورد. به آسانی نمی‌شود در آن حرکت کرد و یک شیر را باز کرد یا شیر را بست. صدها زنگ خطر و هشدار وجود دارد و همه آماده‌اند تا با به صدا درآمدن آژیر همه چیز را تحت کنترل درآورند.

با خود فکر می‌کردم آدم پیچیده‌تر است یا این پالایشگاه که یکی از صدها هزار صنعت ساخته دست انسان است؟ برای عبور دادن یک ماده و تجزیه و پالایش آن صدها علم و فن لازم است، ولی ما برای

ابدی می‌رساند. یعنی انسان با اطاعت امر خدا خودش را به آداب الهی تربیت و مؤدب می‌کند.

تربیت نفس سخت‌تر از فتح شهر

در تاریخ صدر اسلام آمده است که گروهی از مسلمین به جبهه رفته بودند. وقتی نزد پیامبر اکرم(ص) برگشتند و از سختی‌های زیاد جنگ بحث کردند، پیامبر(ص) فرمودند: این جهاد و جنگ و کشتن دشمن، جهاد اصغر بود، جهاد اکبر بر شما باقی مانده است؛ آن جنگ داخلی است، غلبه بر هوای نفس است. این مشکل‌تر است.

در روایتی است که از حضرت عیسی (ع) نقل می‌کنند: «إِنَّ الْغَالِبَ لَهُوَ أَشَدُّ مِنَ الَّذِي يَفْتَحُ الْمَدِينَةَ وَحْدَهُ» (این ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۳۳): آن کسی که بخواهد با هوای نفس مبارزه کند و بر هوای نفسش غلبه کند، کارش سخت‌تر است از کسی که بخواهد تنهایی یک شهر را فتح کند. یعنی فتح یک شهر به تنهایی آسان‌تر از جنگ و غلبه بر هوای نفس است. در روایتی امام علی (ع) فرموده است: «إِنَّكَ إِنْ أَطَعْتَ هَوَاكَ أَصَمَّكَ وَ أَعْمَاكَ وَ أَقْسَدَ مُنْقَلَبَكَ وَ أَوْدَاكَ» (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۱۴): اگر تو بخواهی تحت فرمان خواسته‌های نفسانی‌ات عمل کنی، کر و کور می‌شوی و این خواسته‌ها عاقبت تو را به وادی هلاکت می‌کشاند. کار عقل روشن‌گری است و تبعیت از هوای نفسانی چراغ عقل را در درون انسان خاموش می‌کند.

انسان با اطاعت امر خدا خودش را به آداب الهی تربیت و مؤدب می‌کند

کسانی که مبتلا به حب جاه هستند، مالشان را فدا می‌کنند تا به ریاست برسند

عاقل خود را تربیت می‌کند

لذا ما در روایاتمان می‌بینیم که وقتی می‌خواهند عاقل را تعریف کنند می‌گویند: عاقل کسی است که بر هوای نفسش غلبه کند و دیوانه کسی است که هوای نفس بر او غلبه کند: «العاقل من غلب هواه و لم یبع آخرته بدنیه» (ناصرالدین انصاری قمی، غررالحکم، ص ۵۴).

در روایت دیگر دارد: «العاقل من عصی هواه فی طاعه ربه»: انسان عاقل همین روشی را که انبیا به آن دعوت کرده‌اند در تربیت خودش پی می‌گیرد تا صلاحیت تربیت نسبت به غیر خودش را پیدا کند.

ص ۳۷۰) فرمود: آنجایی که انسان با خواسته‌های گسترده نفسش مخالفت کند.

انسان باید تا آخرین لحظه عمر مراقب نفس باشد و خواسته‌های نفس را مطابق با شرع تنظیم و تحدید کند.

جهاد اکبر یعنی تربیت نفس

در اصطلاح به «مقابله کردن با نفس و مهار کردن آن» غلبه بر هوای نفسانی می‌گویند. هوا یعنی خواسته‌ها، چه در بعد شهوت باشد، چه غضب و چه وهم. می‌گویند جهاد اکبر همین تربیت نفس و غلبه بر هوای نفس است. امام علی (ع) می‌فرماید: «ردع النفس عن الهوی الجهاد الأكبر» (ناصرالدین انصاری قمی، غررالحکم، ص ۲۴۱): اگر نفست را از خواسته‌های گسترده‌اش برگردانی و جلوی اطلاقش را بگیری، جهاد اکبر کرده‌ای.

روش تأدیب شهوت و غضب

در باب شهوت و غضب تعابیر مختلف است؛ هم تعبیر هوای نفس هست، هم شهوت. امام علی (ع) در روایتی فرموده‌اند: «مَنْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ فِي إِصْلَاحِهَا سَعِدَ» (جمال‌الدین محمد خوانساری، شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۲۵۸): اگر کسی کوشش کند که نفس خودش را اصلاح کند، سعادت‌مند می‌شود. اصلاح نفس یعنی تربیت، تأدیب و مؤدب کردن نفس به آداب الهی. حضرت در روایت دیگری می‌فرمایند: «مَنْ أَهْمَلَ نَفْسَهُ فِي لَذَائِهَا شَقِيَ» (همان): اما اگر کسی نفسش را یعنی شهوت و غضبش را در لذات رها کند، نفسش را به شقاوت می‌کشد.

مراد از تأدیب نفس

حالا ببینیم مراد از تأدیب نفس چیست؟ اینکه این همه در آیات و روایات آمده است انسان باید نفسش را به آداب الهی مؤدب کند، یعنی چه؟ در روایت است که مسئله بر محور یک چیز قرار می‌گیرد. یعنی اگر انسان بخواهد نفسش را به آداب الهی تربیت و مؤدب کند، یک کار باید انجام دهد. آن چیست؟ «مَنْ تَأَدَّبَ بِآدَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ آدَاهُ إِلَى الْفَلَاحِ الدَّائِمِ». روایت می‌فرماید: تنها اطاعت امر خدا انسان را به رستگاری



پرتوآمید

طرح درس از کتاب فارسی سوم راهنمایی

لیلا سیدقاسم - زهره تیمیم داری

دبیران مدرسه منطقه یک تهران

سپس از آن‌ها می‌خواهد از لینیکی که در مودل یا وبلاگ ادبیات ارائه شده است، شعر حافظ را با صدای دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی بشنوند. با توضیح معلم، دانش‌آموزان پیش از شروع این فعالیت، قلم و کاغذها را جمع و در حین شنیدن شعر سعی می‌کنند یک یا دو بیت زیبا را به خاطر بسپارند و سپس آن را در کلاس بیان کنند. این مسابقه کوچک که بیشتر جنبه بازی و تفنن دارد باعث گوش کردن فعال می‌شود و جنب و جوشی در کلاس پدید می‌آورد (ممکن است بنا بر وقت و اقتضای کلاس، دانش‌آموزان شعر را دو بار گوش کنند).

نشانی فایل صوتی شعر این است:

hafez.mastaneh.ir/ghazal/ghazal-255

نشانی تصنیف شعر نیز چنین است:

apararat.com/v/c08ae30017dd59ab94

acc5eb90d0920b14932

آنگاه دانش‌آموزان هم‌صدا با هم شعر را بلند و با لحن مناسب می‌خوانند. سپس معلم در حد یک دقیقه راجع به مفهوم «شاه‌بیت» یا «بیت‌الغزل» که برجسته‌ترین بیت شعر است و ممکن است در انتخاب آن تفاوت نظر یا سلیقه پیش‌آید صحبت می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد درباره شاه‌بیت شعر نظر بدهند. در این زمان، دو یا سه نفر، کارت‌های گروه‌بندی را بین افراد کلاس پخش می‌کنند.

مرحله دوم: گروه‌بندی براساس یک آرایه ادبی

گروه‌بندی: دانش‌آموزان براساس واژگانی که با یکدیگر مراعات‌نظیر دارند هم‌گروهی‌های خود را پیدا می‌کنند. البته این واژگان اگر در شعر بیابند، آرایه تلمیح نیز پدید می‌آورند. در شعر مورد بحث نیز چند آرایه تلمیح داریم (جدول ۱). دانش‌آموزان غالباً از این شیوه گروه‌بندی که مرتبط با خود درس است لذت می‌برند و توجهشان به صورت غیرمستقیم به بحث آرایه‌ها جلب می‌شود.

در این درس، دانش‌آموزان با غزلی از حافظ شیرازی به مطلع «یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان غم‌مخور» آشنا می‌شوند؛ این نخستین باری است که آن‌ها در کتاب‌های فارسی راهنمایی با غزلی از حافظ روبه‌رو می‌شوند.

انتظارات آموزشی

– دانش‌آموز بتواند پس از گوش دادن به فایل صوتی شعر در اینترنت، آن را با تلفظی صحیح و لحنی خوش بخواند.

– دانش‌آموز بتواند مفهوم مورد تأکید و پیام زبانی هر بیت را بیان کند.

– در خوانشی جزءنگرتر، دانش‌آموز بتواند معنای ابیات و آرایه‌های ادبی آن‌ها را بیان کند.

– دانش‌آموز بتواند با استفاده از وب‌سایت گنجور کلیدواژه‌های تلمیحی شعر را توضیح دهد.

– دانش‌آموز بتواند تکالیف خود را در یک فایل Word یا PowerPoint به مودل بفرستد.

مرحله نخست: آماده‌سازی فضای ذهنی

در ابتدا، معلم واژه ناامیدی را روی تخته می‌نویسد و از دانش‌آموزان می‌پرسد که آیا در داستان‌هایی که خوانده‌اند یا فیلم‌هایی که دیده‌اند، با قهرمانانی که در برهه‌ای احساس ناامیدی کرده باشند مواجه شده‌اند؟ از آن‌ها می‌خواهد داوطلبانه علت ناامیدی قهرمان داستان را در یک عبارت کوتاه در کلاس بیان کنند. (اگر دانش‌آموزی اثر داستانی به خاطر نداشته باشد می‌تواند از زندگی فردی خود یا یکی از دوستانش مثال بیاورد). معلم روی تخته، حول واژه «ناامیدی» دلایل دانش‌آموزان را می‌نویسد؛ مثلاً احساس ضعف، فکر کردن به نتایج بد گذشته، سردرگمی در برابر هجوم آینده، بی‌حوصلگی و افسردگی، تأثیرگذاری کلام نابه‌جای افراد دیگر و...

مرحله سوم: جست‌وجو برای فهم معانی و مضامین درس

در این مرحله، معلم درباره استخراج مفهوم و پیام زبانی و متفاوت بودن معنا با مفهوم توضیح می‌دهد؛ سپس توجه دانش‌آموزان را به ردیف شعر که «غم‌مخور است» جلب می‌کند و آن‌ها را به این مطلب سوق می‌دهد که حافظ در هر بیت این شعر راهکار یا راهنمودی برای دوری از ناامیدی پیشنهاد کرده است و از مخاطب می‌خواهد که بنا به آن دلیل غم نخورد. در واقع حافظ در این غزل راهمایی برای مقابله با دلایل ناامیدی (که هنوز روی تخته کلاس است) پیشنهاد می‌دهد و این راه‌ها از تک‌تک ابیات غزل قابل استخراج است.

معلم این بار واژه «امیدواری» را در سمت دیگر تخته می‌نویسد. افراد گروه‌ها برای هر بیت به راهکاری در جهت امیدواری می‌رسند و آن را یادداشت می‌کنند. سپس به شکل یک بازی سرعتی، معلم اسم هر دانش‌آموزی را که می‌خواند، آن فرد باید خیلی سریع پای تخته آید و مفهوم و راهکار هر بیت را به شکل خلاصه بنویسد. بعد از انجام این کار معنا و مفهوم ابیات شعر به شیوه پرسش و پاسخ جمع‌بندی می‌شود. سپس از گروه‌ها خواسته می‌شود به کمک رایانه وارد وبگاه گنجور به نشانی www.ganjoor.net شوند و هر گروه با جست‌وجوی یکی از کلیدواژه‌های «یوسف گم‌گشته»، «کلبه احزان»، «خار مغیلان»، «کشتی نوح» و «سیل فنا»، دو بیت دیگر بیابد که این کلیدواژه‌ها را داشته باشند. حال دانش‌آموزان باید با کمک این ابیات و با مشورت هم، در یک بند بنویسند که این واژه در ادبیات فارسی چه مفهومی دارد و با چه هدفی به کار می‌رود. گروه‌ها یافته‌ها و نتیجه‌گیری خود را برای دوستانشان در کلاس می‌خوانند. سپس معلم به جمع‌بندی می‌پردازد و به طور خاص درباره داستان حضرت یوسف و همچنین ماجرای کشتی حضرت نوح مطالب تکمیلی را بیان می‌کند.

نکته: همه ابیات مرتبطی که در گنجور آمده‌اند، برای دانش‌آموزان قابل درک نیستند. بنابراین معلم حتماً باید در این مرحله با گروه‌ها همراه شود و آن‌ها را به سوی بیت‌های ساده‌تر و مفهوم آن‌ها راهنمایی کند.

در پایان این جلسه و برای رفع خستگی دانش‌آموزان، دبیر نرم‌افزار «لسان‌الغیب» را به دانش‌آموزان معرفی می‌کند و امکانات متعدد آن را نشانشان می‌دهد. این نرم‌افزار یکی از بهترین نرم‌افزارهای ادبی است که علاوه بر دیوان حافظ، شامل کتاب‌های دیگر نیز می‌شود. همچنین، در کنار مطالب علمی، بخش‌های جذابی چون فال و انواع تصنیف‌های خواننده شده از اشعار حافظ را به همراه دارد. خوب است قبل از این جلسه با پی‌گیری دبیر، یک نسخه از این نرم‌افزار در بخش آی‌تی مدرسه موجود باشد تا دانش‌آموزان بتوانند آن را امانت بگیرند.

نشانی معرفی امکانات نرم‌افزار در سایت سازنده آن (این لینک بهتر است به شکل آن لاین معرفی شود):

neyestan.com/lesan.htm

مرحله چهارم: ارزیابی و تکلیف

معلم ابیاتی از شعر و ابیات دیگری از حافظ را که با ابیات درس قرابت معنایی دارند و قبلاً آن‌ها را تایپ کرده است، روی صفحه نمایشگر نشان می‌دهد و آموخته‌های فردی و گروهی افراد را ارزیابی و اصلاح می‌کند.

تکلیف

– واژه‌های املائی درس را بنویسند.

– با گوش دادن دوباره به فایل صوتی شعر، سعی کنند آن را برای جلسه بعد به حافظه بسپارند.

– خودارزیابی صفحه ۸۶ را پاسخ دهند.

– تکلیف خاص: هر گروه در دیوان حافظ روی آرایه‌ای خاص نظیر تلمیح، مراعات‌نظیر، تشبیه و تشخیص متمرکز شوند و برای دو هفته بعد پاورپوینتی مبتنی بر آن آرایه بسازند (بهتر است به هر بیت شعر یک صفحه از پاورپوینت را اختصاص دهند). ممکن است از یک گروه که خود بیشتر علاقه‌مند هستند خواسته شود پاورپوینت خود را به زمانه و زندگی و دیوان حافظ اختصاص دهند. آن‌ها باید تکلیف خود را به مودل بفرستند. معلم در جلسات بعدی بعضی از تکالیف را به صورت گزینشی به کلاس می‌آورد و نشان می‌دهد.

جدول ۱: گروه‌بندی واژه‌ها براساس آرایه مراعات‌نظیر

یوسف	چاه	عقوب	عزیز مصر
نوح	کشتی	سیل	طوفان
فرهاد	بیستون	شیرین	کوه کندن
فرعون	موسی	رود نیل	کوه طور
بهشت	آدم	گندم	حوا

زندگی تصویری

غالباً
وقتی پشیمان خود
را می‌بندند، تصاویر
روشنی می‌بینند.



غالباً
برای ثبت وقایع از
دوربین‌های عکاسی و
فیلم‌برداری استفاده
می‌کنند.



از
سرگرمی‌های
تصویری و معماگونه
لذت می‌برند.



جهت‌یابی مهارت
دارند.



می‌توانند
پیکونگی عملکرد داخلی
دستگاه‌های گوناگون را به
وضوح تصور کنند.



نسبت
به رنگ‌ها حساس
هستند.



مدرسه صمیمی مدرسه یادگیرنده

خیر به بیگم حائری زاده



کد دوره: ۹۱۴۰۰۴۸۳

مخاطبان: مدیران و معاونان مدارس

میزان ساعت: ۱۶ ساعت

بخش چهارم و پایانی



مرکز برنامه ریزی و آموزش
نیروی انسانی و دفتر انتشارات و
تکنولوژی آموزشی برگزار می کنند:

اگر می خواهید نظام مدرسه ای را بهبود
بخشید، قبل از تغییر قوانین، اول به اصلاح
روش هایی بپردازید که افراد به آن روش ها فکر
و با هم تعامل می کنند

سؤال با دقت فکر کنند. افراد در نظام
این مدرسه:

- چگونه تفکر و با هم تعامل
می کنند؟

- آیا می توانند گفت و گوهای پرثمر
بر گزار کنند یا آن قدر از دیدگاهشان
حمایت می کنند که صدای بقیه را
نمی شنوند؟

- آیا به خاطر مشکلات بقیه را
سرزنش می کنند یا از منظر نظام و به
عنوان یک کل به مشکلات می نگرند
که در آن هیچ کس به طور فردی
سرزنش نمی شود، چون همه اعمال
از درون به هم مربوط اند؟

- آیا فرض می کنند که
دیدگاهشان تنها دیدگاه ممکن است
یا دیدگاه های متفاوت را نیز در نظر
می گیرند؟

- آیا حاضرند درباره تفاوت ها و
شباهت های امیدها و آرزوهایشان (هر
چند متفاوت با امیدها و آرزوهای بقیه
افراد) با دیگران گفت و گو کنند؟

- آیا واقعاً به ایجاد آینده ای جدید
برای خود و فرزندان جامعه شان
علاقه مند هستند؟

در واقع، تحول واقعی در سازمان
یا مدرسه در صورتی رخ می دهد
که نه تنها شیوه تفکر و تعامل افراد
با یکدیگر، بلکه روش دستیابی به
ایده های جدید نیز متحول شود.

تغییر روش تفکر یعنی به طور
مستمر جهت گیری مان را اصلاح
کنیم و بهبود بخشیم. باید برای

نگاه به درون، زمان اختصاص
دهیم: از «حقایق» ضمنی که
مسلم می پنداریم، از روش هایی که
در زندگی مان به وسیله آن ها تولید
دانش و معناسازی می کنیم و از
آرزوها و انتظاراتی که حاکم بر آن

چیزی است که در زندگی مان انتخاب
می کنیم، آگاه شویم و آن ها را مطالعه
کنیم. ولی باید نگاه به بیرون هم
داشتنه باشیم: بررسی ایده های جدید

و روش های متفاوت تفکر و تعامل،
مرتبط شدن با فرایندها و ارتباطات
چندگانه خارج از خود و روشن سازی
چشم انداز مشترکمان برای مدرسه و

جامعه بزرگ تر. تغییر روش تعامل به
این معنا نیست که فقط ساختارهای
رسمی سازمان را دوباره طراحی
کنیم بلکه باید الگوهای ارتباطی را
که به سختی دیده می شوند و دیگر
جنبه های نظام را که شامل نظام های
دانشی نیز هست دوباره طراحی کنیم.
افراد هر مدرسه ای باید درباره چند

این نکته بسیار مهم است که
ایده های اصلی هدایتگری را که در
دل هر مدرسه یادگیرنده وجود دارد به
زبان بیاوریم؛ هر چند ما این حقایق را
به خودی خود بدیهی می دانیم:

هر مدرسه ای محصول روشی
است که اعضایش به آن روش تفکر و
تعامل می کنند.

هر مدرسه ای همان طوری کار
می کند که افرادش کار می کنند.
سیاست ها و قوانین مشکلات
کلاس های درس و مدارس امروز
را ایجاد نکرده اند، این مشکلات را
کاهش نیز نخواهند داد. مشکلاتی

که مدارس (مانند همه سازمان ها) با
آن مواجه هستند، همواره عمیقاً تحت
تأثیر انواع الگوهای ذهنی و ارتباطات
کلی موجود در نظام هستند؛ در همه

سطوح از معلم و دانش آموز در کلاس
درس گرفته تا مناطق و مراکزی که
همه مدارس را تحت پوشش دارند.

اگر می خواهید نظام مدرسه ای
را بهبود بخشید، قبل از تغییر قوانین،
اول به اصلاح روش هایی بپردازید
که افراد به آن روش ها فکر و با هم
تعامل می کنند. در غیر این صورت،
سیاست ها و ساختارهای سازمانی
جدید به سادگی از بین می روند و
سازمان در طی زمان به همان صورت
قبل بازمی گردد.



یادگیری یعنی ارتباط

در کلاس درس، برای تعیین میزان یادگیری چندین عامل مهم است؛ درسی که ارائه می شود، شخصی که درس را ارائه می دهد، و سبک یادگیری دانش آموز و تجربه هایی که دانش آموز از قبل با خود به کلاس می آورد. یک مربی ضمن خدمت می گوید: «یکی از سخت ترین قسمت های کار من این است که به معلمان بفهمانم در کلاس درس غیر از خودشان کس دیگری هم وجود دارد». «خیلی از آن ها فراموش کرده اند که دانش آموزان حداقل به اندازه موضوع درسی اهمیت دارند».

نکته دیگری که در آموزش در کلاس درس باید در نظر گرفته شود ارتباط بین علوم مختلف است. ارائه مطلب در هر یک از حوزه های درسی نباید به صورت تکه تکه و مجزا از هم باشد. در بسیاری از مدارس، با دانش مانند شیء برخورد می کنند؛ بی ارتباط با اشکال دیگر دانش و کسی که آن را می داند، بهتر است در درجه اول معلمان در ارائه درسشان این مهم را در نظر بگیرند که شاخه های گوناگون علوم به هم مرتبط هستند. مثلاً یک رابطه ریاضی می تواند به درک مفهومی در علوم کمک کند، یا درک مطلب از راه خواندن نه فقط مهارتی است که در کلاس ادبیات و زبان به کار می آید بلکه برای درک صورت مسائل ریاضی و علوم هم کارایی دارد. افزایش آگاهی دانش آموزان، معلمان و افراد دیگر از این ارتباطات فرایند یادگیری

را تقویت می کند. قطع این ارتباطات چارچوب های ذهنی دانش آموزان را درباره مفاهیم درسی و در نتیجه میزان دانش آنان ضعیف می کند.

آنگونه که پاولو فرر^۱ می گوید «نظام بانکی آموزش» بر الگوی یاددهی و یادگیری حاکم است. منظور از نظام بانکی آموزش تمرکز بر ذخیره سازی اطلاعات در ذهن دانش آموزان است و این فرض غالب است که هر که ذخیره اطلاعاتی اش بیشتر باشد، نمره بهتری می گیرد و بنابراین میزان یادگیری اش بالاتر است. به این ترتیب، وظیفه اصلی معلمان این است که نشانه های کدگذاری شده دانش و تکه های ناپیوسته اطلاعات را در سر دانش آموزان «مانند سپرده بانکی ذخیره کنند». این نشانه ها کدگذاری شده اند، چون هر کدام کد یک حوزه تخصصی را دارند. مفاهیمی فقط به ریاضی مربوط هستند و مفاهیمی به علوم تجربی و برخی مفاهیم دیگر به علوم انسانی! ولی طبق گفته فریتجف کاپرا^۲ اطلاعات قابل پس انداز کردن نیست. بلکه «کمیت، نام یا عبارتی کوتاه است که آن را از یک شبکه کامل ارتباطی جدا کرده ایم؛ یعنی موقعیتی که این اطلاعات در آن قرار گرفته اند و معنایشان را از آن می گیرند. آن قدر به مجردات عادت کرده ایم که به این باور تمایل داریم که معنا در تکه مجزای اطلاعاتی مربوط به یک حوزه تخصصی از علوم قرار دارد.» در صورتی که هر جزء اطلاعاتی با موقعیتی که در آن قرار می گیرد معنا می یابد و مغز انسان به گونه ای طراحی شده است که اطلاعات را در صورت معنادار بودن در خود نگه می دارد و در

زمان مناسب از آن استفاده می کند. وانگهی، همه یادگیرندگان دانش را در چارچوب تجربه های فردی و اجتماعی، عواطف، اراده، استعداد، باورها، ارزش ها، خودآگاهی، هدف خویش و از این هم بیشتر بنا می کنند. اغلب اوقات توسعه حرفه ای در مدارس و دیگر سازمان ها، کلاس های فرزندپروری و برنامه های آمادگی رهبری معلم یا مدرسه، بر دو عامل در یادگیری متمرکز است: آنچه ارائه می شود و روش ارائه آن. آنچه مورد توجه قرار نمی گیرد شخص یادگیرنده و تجربه های قبلی اش درباره یک مفهوم درسی و همین طور سبک یادگیری وی است. تأسف بار است که مربیان با غافل شدن از این دو عامل، کارشان را نه تنها سخت تر می کنند، بلکه احتمالاً از اثربخشی آن نیز می کاهند. چرا که دانش آموزان نمی توانند با محتوای درسی که در کلاس آنان ارائه می شود ارتباط برقرار کنند و این احساس نداشتن ارتباط با مفاهیم درسی از میزان انگیزه یادگیری آنان می کاهد. پارکر پالمر^۳ می گوید: «معلمان خوب بین دانش آموزانشان و موضوعاتی که درس می دهند، صمیمیت برقرار می کنند.» و البته «آن ها بین خود دانش آموزان و بین دانش آموزان و دیگر افراد ارتباط اجتماعی ایجاد می کنند.»

معلم و دانش آموز بخش اعظم روز را در مدرسه و در ارتباط با یکدیگر می گذرانند. توانایی معلم در ایجاد ارتباط با شاگردان - ارتباطی مثبت همراه با همدلی - در ایجاد محیط یادگیری مثبت و ارتقای پیشرفت دانش آموزان نقش مهمی ایفا می کند.

یادگیری با چشم انداز تحریک می شود

خیلی از سازمان ها که مدارس هم جزو شان هستند، از این قاعده غافل می شوند. ولی این قاعده ممکن است از هر موضوع دیگری برای موفقیتشان حیاتی تر باشد. چشم انداز می تواند افراد را برای یادگیری و رشد توانمند کند؛ حتی هنگامی که شرایط و محیط این توانایی را سلب کند.

بخش زیادی از یادگیری به هدف و چشم انداز وابسته است. کودکان دوچرخه سواری یاد می گیرند، چون می خواهند با دوستانشان که دوچرخه دارند، بازی کنند. جوانان رانندگی یاد می گیرند چون خواهان استقلال و تحرک هستند. مهارت های جدید را چون خواهان آن هستند یاد می گیرند. بزرگسالان هم همین طور هستند. کم نیستند بزرگسالانی که برای برقراری ارتباط بهتر با فرزندانشان کار با رایانه را آموزش می بینند. پدر بزرگ مادر بزرگ هایی که از فناوری جدید روی گردان بودند رایانه می خردند و یاد می گیرند که به اینترنت سرک بکشند تا با نوه های شان ایمیل رد و بدل کنند. بنابراین، یادگیری مادام العمر وسیله ای بنیادی است که افراد با آن در زندگی فعال می شوند و آینده مطلوبی برای خود می سازند.

ولی وقتی کودکان وارد مدارس می شوند، غالباً نظام، اهداف جدیدی را به آن ها ارائه می کند که با تمایلات و آرزوهای شان بی ارتباط است: راضی کردن معلمان، در تکالیف نمره خوب گرفتن، جایزه و نشان گرفتن و کسب رتبه های بالا.



معلمان خوب بین دانش آموزانشان و موضوعاتی که درس می دهند، صمیمیت برقرار می کنند

عکس: حسن نوراللهی



آموزش ضمن خدمت

توانایی معلم در ایجاد ارتباط با شاگردان - ارتباطی مثبت همراه با همدلی - در ایجاد محیط یادگیری مثبت و ارتقای پیشرفت دانش آموزان نقش مهمی ایفا می کند

این اهداف جدید طی سال ها با افزایش اهمیت مدرک، نمرات آزمون و دیگر انگیزاننده های بیرونی که در قطع ارتباط دانش آموزان با چشم اندازهای خودشان مؤثرند، تقویت شده اند. به آنچه کودکان به شما (و محققان) می گویند گوش بدهید. در حالی که کودکانی ها ممکن است چشم اندازشان را برای «وقتی بزرگ تر شدم» به وضوح بیان کنند، کودکان بزرگ تر از بی ارتباطی کار مدرسه با زندگی و آینده شان شکایت می کنند. دانش آموزان غالباً آنچه را به کلام نمی گویند یا نمی توانند بگویند، با رفتار آزاردهنده یا غیرفعالانه نشان می دهند. بعضی ممکن است از این بترسند که ایده چشم انداز در مدارس به معنای این است که بگذاریم افراد هر کاری می خواهند انجام دهند و سخت کوشی را کنار بگذاریم و سطح استانداردهای آموزشی را پایین بیاوریم. این کاملاً از واقعیت به دور است. وقتی مدیران و معلمان بر سؤال های محدود و عملی مانند مدیریت کلاس، افزایش حضور و میزان ماندگاری دانش آموزان در مدرسه (عدم ترک تحصیل) و بهبود نمرات آزمون تأکید می کنند، ممکن است دانش آموزان این چشم اندازهای تقلیل یافته را درونی کنند و با افق هایی زندگی کنند که بی دلیل سطح پایین هستند. افزایش نمرات و فراهم کردن فضاهای یادگیری امن اهداف مشروعی هستند ولی نمی توانند جانشین توان چشم اندازی بزرگ تر، شخصی و مشترک، به عنوان نیروی پیشبرنده بهبود مدارس، شوند. فرض می کنیم شما پنج اصل کلیدی یادگیری سازمانی را در مدرسه خود پیاده کرده اید. در ادامه چند راهکار را پیشنهاد می کنیم. از یادگیری سازمانی در هر سه سطح آگاه باشید. همان طور که گفته شد، کلاس درس، مدرسه و جامعه هر سه درهم تنیده اند. هر موفقیت در یک سطح ممکن است به خاطر قابلیت ها، منابع یا درک ناکافی در سطح دیگر، با مانع مواجه شود. بنابراین، حتی اگر وقت یا منبع لازم را برای ایجاد یادگیری در هر سه سطح ندارید، حداقل باید از آن ها آگاه باشید.

بر یک یا دو اولویت جدید، نه دوازده تا، تمرکز کنید. در یک جلسه با روشی، مثلاً «بارش فکری»، اولویت هایتان را تعیین کنید و بر یک یا دو اولویت تمرکز کنید. برای تعیین اولویت ها باید زمان صرف کرد چون گاهی ممکن است کاری که به نظر تان در اولویت است، کاری غیرضروری باشد و نه تنها کمکی به نزدیک شدن به چشم انداز مشترک سازمان نکند بلکه شما را از چشم انداز دور کند. همه رادر یادگیری و تحول شرکت دهید. در بعضی از مدارس دانش آموزان دریافت می کنند، مربیان ابلاغ می کنند و والدین حمایت می کنند. در ابتکارات موفق یادگیری سازمانی همه یاد می گیرند و همه حمایت می کنند. دانش آموزان می توانند یکی از مؤثرترین محرک های یادگیری سازمانی باشند؛ به نوبه خود یادگیری سازمانی هم می تواند یکی از قدرتمندترین روش های توسعه قابلیت های دانش آموزان برای یادگیری مادام العمر و موفقیت آمیز باشد. در یک مدرسه یادگیرنده دانش آموزان تنها دریافت کنندگان غیرفعال دانش نیستند بلکه در تولید دانش همکاری می کنند و در تکامل مدرسه شرکت دارند. اکثر دانش آموزان مدارس قابلیت های شناختی و احساسی برای انجام فرمان های پیچیده ای چون تسلط شخصی و تفکر نظام مند دارند. آن ها همچنین قادرند برای یادگیری مادام العمرشان دورنمای هدفدار تعیین کنند و نیاز دارند در نظامی قرار بگیرند که همه قابلیت ها و آگاهی هایشان را پرورش دهد. اولیاهم می توانند شرکت کنندگان اصلی در ابتکارات باشند؛ به خصوص در جوامعی که والدین احساس می کنند از مدرسه کنار گذاشته شده اند. مدرسه ای که می خواهد مدرسه یادگیرنده باشد، باید به روش های گوناگون با اولیا در ارتباط باشد. چون اولیا شریکی بسیار متعهد در فرایند یادگیری فرزندانشان هستند. در واقع توسعه فرزندان به توسعه همه بزرگ سالان درون نظام بستگی دارد.

ممکن است به عنوان مدیر یا معاون خود را بین فشارهای اولیا، معلمان، منطقه و منافع دانش آموزان در گیر ببینید. وقتی شما در یادگیری سازمانی فعال می شوید، نقشی بیشتر از یک تکیه گاه می یابید. شما سرپرست معلمان نیستید بلکه خودتان معلم پیشرو و یادگیرنده پیشرو می شوید و مهماندار فرایند یادگیری در کل مجموعه. موانع موجود را شناسایی کنید. می گویند فهمیدن اینکه ماهی ها راجع به چه چیزی صحبت می کنند مشکل است، ولی مطمئن هستیم درباره آب صحبت نمی کنند. این «آب» همان مفروضاتی است که از نظر فرهنگی در ذهن ما جای گرفته است و روش های عملی است که به آن ها عادت کرده ایم - وقتی سعی می کنیم به طور بنیادی درباره آموزشی عصر صنعتی که به آن مدرسه می گوئیم تجدیدنظر کنیم و آن را از نو بسازیم، برمی گردد و ما را احاطه می کند. برای دیدن موانع ابتدا باید مفروضاتی را که درباره یادگیری داریم واضح و روشن ببینیم تا بتوانیم الگوهای ذهنی خود را تغییر دهیم. مفروضاتی از این قبیل: کودکان نارسایی دارند و مدارس آن ها را اصلاح می کنند؛ یادگیری در سر اتفاق می افتد نه در کل بدن؛ همه به یک شیوه یاد می گیرند یا باید به یک شیوه یاد بگیرند؛ دانش آموزی که جنب و جوش دارد بیش فعال است؛ یادگیری فقط در کلاس درس اتفاق می افتد؛ بعضی کودکان باهوش و برخی دیگر کندذهن هستند. و درباره مدرسه: کار معلمان این است که دانش آموزان را کنترل کنند. کار مدیران کنترل معلمان است و کار مناطق آموزشی کنترل مدرسه است؛ دانش به طور ذاتی چندپاره است؛ مدرسه ها تنها منبع قابل اعتماد

انتقال دهنده «واقعیت ها» هستند؛ یادگیری اصولاً فردی است و رقابت آن را تسریع می کند. به جای این مفروضات که خاص جامعه صنعتی است در حال حاضر باید به مفروضات زیر ببیندیشیم: * یادگیری یادگیرنده محور نه معلم محور: وقتی قرار باشد دانش آموزان برای یادگیری شان چشم انداز تدوین کنند، روش های معلم محور اثربخشی لازم را ندارند. این دانش آموزان هستند که نقش محوری در فرایند یادگیری ایفا می کنند. به قول نیکوس کازانتزاکیس^۴ «معلمان کسانی هستند که خود را چون پلی می بینند که دانش آموزانشان را به عبور از روی آن دعوت می کنند. پس از اینکه عبور دانش آموزان را تسهیل کردند، شادمانه فرو می ریزند و آنان را تشویق می کنند تا پل های خودشان را بسازند.» در حقیقت، نقش معلم در مدرسه یادگیرنده رهبری گروه است، رهبری که تعلیم می دهد، تسهیل می کند، به تشریک مساعی می پردازد و رشد آموزشی و اجتماعی هر دانش آموز را در کنترل دارد. در نقش رهبر گروه، معلم باید رهبران آینده را تربیت کند. توماس آر. هاروی و بونیتا درولت^۵ در کتابشان به نام «تیم سازی، آدم سازی» اشاره می کنند که در چه صورتی می توان افراد را توانمند ساخت: «شما افراد را در صورتی توانمند می سازید که: به آنان کاری مهم برای انجام دادن بدهید. برای انجام کارشان آن ها را راهنمایی کنید.

برای انجام کارشان منابع در اختیارشان بگذارید. آن ها را تحسین و از آن ها تقدیر کنید. بگذارید احساس کنند بقایشان در دست خودشان است. مهارت های کاری را ایجاد و تقویت کنید. آنان را تشویق کنید که گروهی کار کنند. از شگفتی استقبال کنید». اگر معلمان در کلاس و مدرسه یادگیرنده به این موارد توجه کنند، آنگاه باید از روش های یادگیرنده محور استفاده کنند که در نتیجه آن دانش آموزان به یادگیرندگانی مادام العمر تبدیل خواهند شد. * ترغیب تنوع به جای یکپارچگی: دانش آموزان هر مدرسه خانواده ها و فرهنگ های گوناگون و سبک های یادگیری متفاوتی دارند. بنابراین قرار نیست ما لباسی بدوزیم که به تن همه بیاید، بلکه روش هایمان باید به گونه ای باشد که هر کس صاحب لباسی شود که براننده شرایط خاص خودش باشد. درست همان طور که هوش انواع زیادی دارد، سبک های یادگیری ما هم از تنوع برخوردار است.

آموزش ضمن خدمت



مثلاً برای کودکی که فقط زمانی که بدنش در حال حرکت باشد یاد می‌گیرد، به خصوص در سنین پایین‌تر (در کلاس ابتدایی) اجبار به نشستن روی صندلی و حرکت نکردن به مدت یک ساعت، مانند شکنجه خواهد بود. بعضی از کودکان برای یادگیری به سکوت نیاز دارند در حالی که بعضی‌ها به فعالیت مداوم علاقه دارند. بعضی‌ها خود به خود اهل آزمایش کردن هستند و همواره با طرح سؤال هایشان پیش می‌روند، ولی گروهی از کودکان برای یادگیری نیاز دارند که به چالش کشیده شوند و معلم باید برای آن‌ها ایجاد انگیزه کند تا طرح سؤال کنند. با وجود این تنوع در یادگیری و تجربه‌های پیشین یادگیرندگان، در اکثر کلاس‌های درس، محتوا تنها به یک روش ارائه می‌شود. معلمان در مدرسه یادگیرنده اولین سعیشان این خواهد بود که

آموزش ضمن خدمت

دانش آموزان می‌توانند یکی از مؤثرترین محرک‌های یادگیری سازمانی باشند؛ به نوبه خود یادگیری سازمانی هم می‌تواند یکی از قدرتمندترین روش‌های توسعه قابلیت‌های دانش آموزان برای یادگیری مادام‌العمر و موفقیت‌آمیز باشد

لااقل محتوای درسی یکسان را برای یادگیرندگان متفاوت به روش‌های گوناگون متناسب با نیازهای آنان بیان کنند. * درک دنیایی که وابستگی درونی دارد و در حال تغییر است به از بر کردن مجموعه‌ای واقعیت غیرقابل تغییر و تلاش برای یافتن پاسخ‌های درست: تردید در دانسته‌های قبلی و تلاش برای تطبیق با دنیای دائم در حال تغییر از ویژگی‌های هر مدرسه یادگیرنده است. وقتی مدرسه را مثل نظامی زنده در نظر بگیریم، درمی‌یابیم که این نظام همواره در حال تکامل است. می‌توانیم در این تکامل با طرح سؤال‌هایی مانند سؤال‌های زیر شرکت کنیم:

چرا این نظام چنین عمل می‌کند؟ علت وجود چنین قوانینی چیست؟ هدف از این روش چیست؟

در پاسخ به این سؤال‌ها نمی‌خواهیم با توضیحاتی مانند اینکه «مسئولان این روش، قوانین و روش‌ها را تعیین کرده‌اند» خود را قانع کنیم. چون در مدرسه یادگیرنده، همه اجزای نظام خود را مسئول می‌دانند، سعی می‌کنند با تعمق بیشتر دریابند که الگوهای ذهنی و عادات آن‌ها نیز تعیین‌کننده چگونگی عملکرد این نظام است. در مدرسه یادگیرنده، طرح سؤال درباره شیوه عملکرد جزئی طبیعی از زندگی دانش آموزان، معلمان، اولیا و مدیران می‌شود. هدف از طرح این سؤال‌ها انتقاد نیست، بلکه یادگیری و تبدیل کردن کل مدرسه به محیطی برای یادگیری همه اجزای آن است. وقتی مدیران مدارس محیطی را فراهم کنند که معلمان به طور

مستمر یاد بگیرند، بی‌تردید معلمان توانمند می‌شوند محیطی یادگیرنده برای دانش آموزانشان فراهم کنند. * بررسی مستمر آرا و نظرات مورد استفاده همه افراد درگیر در فرایند آموزش: همان‌طور که گفتیم، همه افرادی که در نظام مدرسه درگیرند، یعنی دانش آموزان، مربیان، اولیا و حتی افراد محل می‌توانند در فرایند آموزش فعال باشند. یکی از معضلات بزرگ آموزش و پرورش کنونی این است که دو تأثیرگذار اساسی بر زندگی دانش آموزان، یعنی معلمان و اولیا، درباره آموزش و پرورش کودکان با هم کمتر ارتباط مستمر دارند. مدارس می‌توانند برای شروع این ارتباط پیش قدم شوند و با طرح سؤال‌اتی اولیا را در ارائه نظر درباره آینده فرزندشان فعال سازند:

مایلید فرزندانتان امسال در مدرسه چه چیزهایی را یاد بگیرند؟

دوست دارید فرزندانتان چه تجربه‌هایی کسب کنند؟

مایلید با مسئولان مدرسه چه نوع رابطه‌ای داشته باشید؟

مدیر مدرسه همچنین می‌تواند از معلمان چنین سؤال‌اتی بپرسد:

مایلید کلاس درستان امسال به چه هدفی دست یابد؟

مایلید رابطه‌تان با دانش آموزان چه تغییری یابد؟

مایلید چه تجربه‌هایی را برای دانش آموزان فراهم کنید؟

می‌توان از دانش آموزان نیز چنین سؤال‌اتی پرسید:

امسال مایلید چه چیزی در مدرسه یاد بگیرد؟

چه کارهایی امسال را به یک سال خوب تحصیلی تبدیل می‌کند؟

سپس گروهی از مسئولان مدرسه پاسخ‌های گردآوری شده را با هم تلفیق و نقاط اشتراک و افتراقتان را بررسی می‌کنند. نقاط اشتراک را می‌توان نقطه شروعی برای تدوین اهداف مشترک دانست و در جلساتی مستمر به نقاط افتراق پرداخت تا الگوهایی ذهنی که در پس این اختلاف‌نظرها وجود دارند آشکار شوند و کم‌کم با اصلاح و تغییر الگوهای ذهنی زمینه تحول واقعی مدرسه برای تبدیل شدن به مدرسه‌ای یادگیرنده تحقق یابد. افراد، مسئولان مدرسه و اولیا، طی این جلسات یاد می‌گیرند.

* هماهنگ کردن آموزش در شبکه‌های ارتباطات اجتماعی که دوستان، خانواده‌ها و افراد محل را به هم ملحق می‌کند: یعنی طراحی و اجرای فعالیت‌هایی که به ارتباط معنادار و مؤثر بین اجزای داخل و خارج از مدرسه منجر شود. در این میان، نقش رسانه‌هایی مانند رادیو، تلویزیون و اینترنت انکارنشدنی است. به نظر می‌رسد، بین مدرسه و این رسانه‌ها ارتباط بسیار کم‌رنگی وجود دارد. آیا متولیان رسانه‌ها هنگام ساخت برنامه‌ها، اهداف آموزش و پرورش را در نظر دارند؟ از آموزش و پرورش چه تصویری در این رسانه‌ها ساخته می‌شود؟ آیا در رسانه‌ها به جنبه‌های واقعی زندگی پرداخته می‌شود؟ دانش آموزان در مدرسه بیشتر درباره کدام برنامه‌های رسانه‌ها با هم گفت‌وگو می‌کنند؟ و علاقه دانش آموزان به این برنامه‌ها نشان‌دهنده کدام واقعیت است؟

پاسخ به این سؤال‌ها و تلاش برای هماهنگ کردن اهداف آموزش

و پرورش با اهداف انواع رسانه‌ها، به طور مستقیم و غیرمستقیم، در حرکت مدارس و کل جامعه برای تبدیل شدن به مدرسه و جامعه‌ای یادگیرنده بسیار ضروری است.

امیدی برای آینده

همان‌طور که مدرسه چون نهادهی تولیدکننده انبوه برای تفکر عصر صنعتی یا ماشینی بوده است، امید می‌رود بتواند محوری برای ایجاد جوامعی یادگیرنده‌تر در آینده باشد. البته این تحول در نقش مدرسه‌ها به آسانی صورت نمی‌گیرد، چون مدرسی که با تفکر عصر صنعتی شکل گرفته‌اند، از نظر ساختاری نقطه کوری دارند. این نقطه کور از آنجا ناشی می‌شود که تنها شخصی که می‌تواند درباره شیوه عملکرد نظام مدرسه تعمق کند، شخصی است که در نظام حقی برای اظهارنظر ندارد یا به اظهارنظر وی بها داده نمی‌شود، این شخص، دانش‌آموز است. دانش‌آموز تنها جزئی از نظام مدرسه است که همه کلاس‌ها را می‌بیند، فشار در خانواده را متحمل می‌شود و از رسانه‌ها و محیط اطراف پیام‌های متناقض دریافت می‌کند. دانش آموزان درک می‌کنند که کل کار مدرسه چه زمانی بیش از اندازه زیاد یا بیش از اندازه کم است و چه زمانی سطح فشار خیلی بالاست و میزان احترام به افراد کم است. ولی متأسفانه دانش آموزان جایگاه قدرتمندی در نظام ندارند. برای تبدیل شدن به مدرسه‌ای

آموزش ضمن خدمت

یادگیرنده، مدیران و معلمان باید بتوانند که نقش دانش آموزان را در ارائه بازخورد درباره مدرسه پررنگ‌تر کنند، چرا که دانش آموزان از قوه تخیل برخوردارند و شیوه تفکرشان هنوز تحت تأثیر آموزش رسمی قرار نگرفته است. آن‌ها مایل‌اند که در فرایندهای مدرسه نقشی فعال داشته باشند و درباره محیط اطرافشان احساس مسئولیت کنند.

در پایان لازم است به این مهم بپردازیم که چطور می‌توانیم ادعا کنیم سازمانمان یا مدرسه‌مان، سازمان یا مدرسه‌ای یادگیرنده شده است. سازمان یادگیرنده یعنی توسعه درکی روشن و صادقانه از واقعیت موجود که در تمام سطوح سازمان دست‌یافتنی باشد. به عبارت دیگر، این درک روشن و صادقانه از واقعیت موجود است که باعث می‌شود سازمان بتواند دانش جدید تولید کند و افراد توانمند شوند که برای ایجاد آینده مطلوبشان، اعمالی مؤثر انجام دهند. در هر گروه یا سازمانی، پاسخ به این سؤال‌ها به ما کمک می‌کند دریابیم آیا سازمان یا گروهمان یادگیرنده است یا خیر؟

آیا درکی روشن و صادقانه از واقعیت موجود داریم؟ تا چه حد تاب تحمل شنیدن واقعیت را داریم؟ آیا خودمان در جست‌وجوی داده‌ها هستیم یا صبر می‌کنیم اولیا، بازرسان یا رسانه‌ها آن‌ها را در اختیارمان قرار دهند؟ اگر برای کسب داده‌ها نظرسنجی می‌کنیم، چه کسانی این نظرسنجی‌ها را پر می‌کنند؟ آیا اگر اطلاعاتی ما را زیر سؤال ببرد، از پرداختن به آن اجتناب می‌کنیم؟

طریقه بانداژ دست و پا

بانداژ آرنج

از یک باند کنار بافت ۷/۵ سانتی متری استفاده کنید. آرنج را خم و در وضعیت مناسب خود قرار دهید. ابتدای باند را روی آرنج قرار دهید و دو بار دور آرنج بچرخانید تا سر باند ثابت بماند. ادامه باند را یک دور به صورت اریب به دور بازو بپیچانید. سپس باند را از روی آرنج رد کنید و یک دور اریب به دور ساعد بپیچانید. این روش را تا زمانی که سطح پانسمان پوشیده شود ادامه دهید. در آخر انتهای باند را بالای بازو ثابت کنید. بانداژ زانو نیز به همین روش انجام می شود؛ با این تفاوت که سباز باند زانو باید ۱۰ یا ۱۵ سانتی متری باشد.

بانداژ ساعد

از یک باند کنار بافت ۷/۵ سانتی متری استفاده کنید. ابتدای باند را روی مچ دست قرار دهید و دو بار دور مچ بچرخانید تا سر باند ثابت بماند. باند را از پایین به سمت بالا (به طرف آرنج) به صورت اریب، طوری که هر دور باند دو سوم از دور قبلی را بپوشاند، ببندید. در انتها، باند را با چسب یا سنجاق بالایی ساعد ثابت کنید. بانداژ ساق پا نیز به همین روش است.

توجه: بانداژ باید به صورت اریب بسته شود. پیچش حلقوی باند به دور عضو می تواند عروق خونی را مسدود کند. اگر باند را از بالا به پایین عضو ببندید، بانداژ شل می شود و پانسمان در معرض عوامل میکروبی قرار خواهد گرفت. بنابراین، همیشه باندپیچی را از قسمت باریک تر عضو شروع کنید.

بانداژ کف دست

از یک باند کنار بافت ۵ سانتی متری استفاده کنید. ابتدا سر باند را زیر یا روی مچ دست قرار دهید و دو بار دور مچ بچرخانید تا سر باند ثابت بماند. ادامه باند را از روی دست به طرف انگشت کوچک و سپس زیر انگشتان ببرید و از بین دو انگشت شست و سبابه رد کنید. بعد آن را به صورت اریب از روی دست به بالا ببرید و دور مچ بچرخانید. به این کار ادامه دهید تا پانسمان به خوبی پوشانده شود. در آخر، انتهای باند را روی مچ ثابت کنید. بانداژ کف پا نیز به همین روش است.

کمپرس سرد

گاهی عضو دچار شکستگی نمی شود، بلکه فقط ناحیه آسیب دیده کمی درد و تورم دارد. در چنین مواردی، بانداژ به کار نمی آید، بلکه باید از کمپرس کردن بهره برد. اگر آسیب دیدگی در دست باشد، با آویزان کردن آن، ورم و کبودی کاهش می یابد. اگر هم پا آسیب ببیند، می توانید فرد را بنشینید و ناحیه آسیب دیده را بلند کنید و چند بالش زیر پا بگذارید. سپس به سرعت با کمپرس سرد درد و تورم عضو آسیب دیده را کاهش دهید.

گاهی اوقات در اردوها و یا فرصت های آزادی

که در حیاط مدرسه به دانش آموزان داده می شود، دست و پای دانش آموزان آسیب می بیند؛ آسیب هایی مانند کوفتگی، ترک خوردگی و یا شکستگی. آشنایی با روش های بانداژ دست و پا می تواند در تسکین درد و جلوگیری از آسیب بیشتر بر فرد مصدوم بسیار مؤثر باشد. بانداژ کردن مهارتی است ارزان اما دقیق. در این نوشته با مهارت های صحیح بانداژ آشنا می شویم.

چگونه کمپرس سرد درست کنیم؟

می توانید چند تکه یخ را داخل کیسه ای بریزید و کمی نمک روی آن بپاشید تا به آب شدن بهتر یخ ها کمک کند. یا حوله یا پارچه ای را در آب سرد فرو ببرید و هر چند دقیقه آن را عوض کنید. یادتان باشد به ناحیه آسیب دیده فشار نیاورید و کمپرس سرد را به مدت ۳۰ دقیقه روی محل بگذارید. با این کار سرعت جریان خون به ناحیه آسیب دیده کم می شود و در نتیجه درد و ورم کاهش می یابد.

پاسخ به این

سؤال ها نه تنها واقعیت

موجود را به ما نشان می دهد،

بلکه راهکارهایی برای قدم گذاشتن

در راه تبدیل شدن به سازمانی

یادگیرنده را پیش رویمان قرار

می دهد. مهم این نیست که امروز

چه تعداد مدرسه یا سازمان به مدرسه

یا سازمانی یادگیرنده تبدیل شده اند،

مهم این است که در ارتقای کیفی

مدرسه یا سازمان قدم در راهی

می گذاریم که ممکن است تاکنون

افراد کمتری به آن راه پرداخته باشند.

به قول رابرت فراست، شاعر

انگلیسی:

جنگل به دو راهی رسید و من

راه کمتر رفته را رفتم

همه فرق ها از همین بود

پی نوشت

1. Paulo Freire
2. Fritjof Capra
3. Parker Palmer
4. Nikos Kazantzakis
5. Thomas R. Harvey & Bonita Drolet

آموزش ضمن خدمت

برای دیدن موانع ابتدا باید مفروضاتی را که درباره یادگیری داریم واضح و روشن ببینیم تا بتوانیم الگوهای ذهنی خود را تغییر دهیم

آیا فقط به نظرهای کمی اکتفا می کنیم یا با افراد گفت و گو و از آن ها درباره احساسشان و افکارشان پرسش می کنیم؟ آیا از آن ها می پرسیم برای شخص خود و سازمانشان چه چیزی را مطلوب می دانند؟

آیا این درک از واقعیت موجود را بین همه افراد دخیل در سازمان به اشتراک می گذاریم و از آنجا دانشی جدید تولید می کنیم که باز هم بین همه افراد به اشتراک گذاشته شود؟ آیا از اینکه همه افراد به جای «فقط آگاه بودن»، «یادگیرنده باشند»، حمایت می کنیم؟ آیا محیط از یادگیری مستمر حمایت می کند یا یادگیری فقط اتفاقی رخ می دهد؟ با اطلاعات چگونه برخورد می کنید؟ آیا افراد باید صاحب مقام خاصی باشند تا اطلاعات در اختیارشان قرار بگیرد؟ آیا فقط به اطلاعاتی توجه می کنید که از مفروضات شما حمایت می کنند یا سعی می کنید از منظرهای گوناگون به اطلاعات توجه کنید؟

آیا از دانش تولید شده برای عمل مؤثر در جهت آینده مطلوبتان استفاده می کنید؟ آیا افراد می توانند از دانش جدید در کارشان استفاده کنند؟ اولویت های شما چیست؟ افراد برای به اشتراک گذاشتن روش های جدید چقدر وقت دارند؟ آیا انرژی تان را بر آینده مطلوبتان متمرکز کردید یا ۱۰۰ اولویت متفاوت در نظر دارید که باید به همه آن ها بپردازید؟ آیا می توانید توضیح دهید چگونه می خواهید فاصله بین واقعیت موجود و آینده مطلوبتان را پر کنید؟ آیا قابلیت ها و شایستگی های افراد و سازمانتان نسبت به گذشته رو به رشد است؟

در مقالات قبل در مورد نحوه نصب ویندوز و درایورها و نرم افزارهای عمومی صحبت کردیم. اما به نظر می رسد در مورد یک دسته از نرم افزارهای مهم که همان برنامه های امنیتی هستند صحبت نکردیم. دلیل آن هم، اهمیت این دسته از نرم افزارهاست که به توضیحات جامع تری نسبت به دیگر نرم افزارها نیاز دارند.

برنامه های مخرب^۱ برنامه هایی هستند که به نحوی به رایانه آسیب وارد می کنند. مثلاً رایانه را کند یا داده ها را آلوده و خراب می کنند. براساس نوع فعالیت، می توان این برنامه ها را به انواعی مثل ویروس ها، کرم ها^۲، اسب های تروا^۳، برنامه های جاسوسی و غیره تقسیم کرد. سؤال این است که چگونه می توان رایانه را در مقابل این نرم افزارهای مخرب بیمه کرد و از شر آسیب های آن ها در امان ماند. جا دارد نکته بسیار مهمی را که

بسیاری از کاربران به آن دقت نمی کنند تذکر دهیم. دوستان عزیز باید دقت داشت، با توجه به پیشرفت روزافزون فناوری اطلاعات و تبدیل آن به خدمتی عادی، حتی در بسیاری از مراکز دولتی نظیر بانک ها یا مؤسسات، و انجام بسیاری از فرایندهای پراهمیت نظیر انجام امور بانکی روی سیستم خود، باید بسیار بیش از گذشته نسبت به امنیت دستگاه خود حساس باشید. برای مثال گاه برنامه های مخرب می تواند بسیاری از مطالب مهم رایانه، نظیر رمز عبور حساب بانکی شما که آن را با صفحه کلید تایپ می کنید در فایل ضبط و در اختیار هکرها قرار دهد. مثال دیگر آنکه با پیشرفت نسل دوربین های دیجیتال، امروزه بسیاری از مردم از این وسایل برای عکاسی استفاده می کنند و اطلاعات شخصی خود را روی رایانه خود ذخیره می کنند. حال اگر

رایانه امنیت کافی نداشته باشد امکان هک شدن سیستم شما و برداشتن این اطلاعات و قرار گرفتن آن ها در معرض دید همگان در شبکه جهانی اینترنت فراهم خواهد شد. برای مثال آخر تصور کنید مدت زیادی را برای جمع آوری اطلاعاتی صرف کرده اید یا مثلاً حدود یک ماه را برای تایپ پایان نامه و نظایر آن وقت گذاشته اید، حال با ویروسی شدن رایانه تان کل اطلاعات شما پاک خواهد شد. با توجه به مثال های فوق، اهمیت حفاظت از رایانه را بیش از پیش می توان درک کرد.

توصیه ما برای حفاظت از رایانه، نصب سه نرم افزار به صورت همزمان است. البته پر بدیهی است که اگر امکان نصب هر سه نرم افزار وجود ندارد توصیه مؤکد است که حتماً یک نرم افزار بسته جامع امنیتی نصب کنید.



نرم افزار اول: آنتی ویروس یا بسته جامع امنیتی

در این قسمت شما باید از یکی از نرم افزارهای آنتی ویروس یا برنامه های جامع امنیتی استفاده کنید. در مورد آنتی ویروس ها در نظر گرفتن چند نکته ضروری است. آنتی ویروس ها معمولاً سرعت رایانه را به شدت کاهش می دهند. بعضاً تنظیمات پیچیده دارند و کاربر را دچار پریشانی می کنند. البته بعضی از آنتی ویروس ها هم حساسیت بسیار بالایی دارند و هنگام کار روزانه، کاربر را اذیت می کنند. از طرف دیگر باید حتماً به روز شوند؛ با توجه به تولید ویروس های جدید، آنتی ویروسی که به روز نشود خیلی مؤثر نخواهد بود. لذا باید در انتخاب آن دقت کرد. در این مقاله فرصت کافی برای مقایسه آنتی ویروس ها نداریم و فقط براساس تجربه ای قابل دفاع، استفاده از نرم افزار Eset Smart Security را توصیه می کنیم که قدرت قابل قبول، سرعت مناسب و راهبری نسبتاً آسانی دارد. شما می توانید آن را از نشانی زیر دریافت کنید:

dl.softgozar.com/Files/Software/ESET_Smart_Security_Business_Edition_4,2,76,0_x86_Softgozar.com.exe

در مورد این آنتی ویروس نکته قابل توجه این است که امکان به روز رسانی آن، هم به صورت آنلاین (هنگام اتصال به اینترنت) و هم به صورت آفلاین (هنگام نداشتن اتصال به اینترنت) مهیا شده است که هم در پایگاه اینترنتی بالا و هم در مستند موجود در نشانی زیر، آموزش نحوه انجام آن قابل دسترس است:

mobincenter.net/Images/
BookFiles/11.zip

برنامه های مخرب می تواند بسیاری از مطالب مهم رایانه، نظیر رمز عبور حساب بانکی شما که آن را با صفحه کلید تایپ می کنید در فایل ضبط و در اختیار هکرها قرار دهد



نرم افزار دوم: نرم افزار تخصصی برای گرفتن برنامه های مخرب فلش

با توجه به افزایش استفاده روزانه از فلش مموری ها^۴ و تسهیل انتقال ویروس ها و برنامه های مشابه از طریق این وسایل، توصیه ما به شما عزیزان، استفاده از نرم افزاری تخصصی برای بررسی این گونه حافظه ها است (کلیه وسایلی که با درگاه USB به رایانه متصل می شوند، نظیر فلش مموری، هاردهای خارجی یا اکسترنال و موارد مشابه). لذا استفاده از نرم افزار USB Disk Security را به شما عزیزان پیشنهاد می کنیم. شما می توانید نسخه ۶ آن را از نشانی زیر دریافت کنید:

dl.softgozar.com/Files/Software/USB_Disk_Security_6,1,0,432_AI_Softgozar.com.exe



نرم افزار سوم: نرم افزاری برای مقابله بیشتر با حمله هکرها

با توجه به استفاده زیاد از اینترنت، احتمال آلوده شدن ویندوز به تروجان ها و موارد مشابه که امکان سرقت اطلاعات را برای هکرها فراهم می آورد توصیه می شود. از برنامه تخصصی زیر برای مقابله با این گونه حملات استفاده کنید. اگرچه این برنامه تا حدی کار آنتی ویروس را هم انجام می دهد، ولی ما نصب این نرم افزار را برای مقابله بهتر با بدافزارها و حملات هکرها پیشنهاد می کنیم:

dl.softgozar.com/Files/Software/Malwarebytes_Anti-Malware_1,62,0,1300_Softgozar.com.exe

نصب هر سه نرم افزار گفته شده در کنار یکدیگر تست شده و علاوه بر آن که امنیت قابل توجهی برای رایانه شما به ارمغان می آورد، آن را، آنچنان که ملموس باشد، کند نمی کند. در حالی که این ایراد به بسیاری از آنتی ویروس ها وارد است. در پایان قصد داریم به قاعده ای طلایی برای تأمین امنیت رایانه تان اشاره کنیم: همواره برنامه های مخرب، با سطح دسترسی کاربر جاری در سیستم فعالیت می کنند. به بیان دیگر، همان طور که احتمالاً بسیاری از شما عزیزان

می دانید، ما دو سطح دسترسی کلان در ویندوز داریم: ۱. مدیر سیستم؛ ۲. کاربر محدود. اگر شما با سطح دسترسی مدیر سیستم در رایانه خود مشغول به کار باشید، احتمال آلوده شدن سیستم شما به مراتب بسیار بیشتر از این است که با سطح دسترسی کاربر محدود در ویندوز مشغول کار باشید، زیرا کاربر محدود اجازه نصب نرم افزار و اضافه یا کم کردن اطلاعات پوشه و درایو

ویندوز شما را ندارد. اگر شما با این سطح دسترسی دچار ویروس یا موارد مشابه شوید، رایانه تان بسیار کمتر از حالت عادی دچار مشکل خواهد شد. تا پایان این مقاله ما رایانه ای پاک و خوب برای کار در فضای مجازی داریم و از مقاله بعد باید به بعضی از قابلیت های این فضا و نحوه درست کار با آن ها اشاره کنیم.



سارقان اطلاعات

آرمان صوفیانی

معصومه خیرآبادی

نشریات معلمان جهان

در این شماره نیز ۱۰ نشریه ویژه معلمان جهان بررسی خواهد شد. نسخه کامل مجلات معرفی شده، روی وبگاه‌های آن‌ها قابل مشاهده است.

۱. محاسبات آموزشی استرالیایی: این مجله را «انجمن استرالیایی کامپیوتر در مدارس»، به منظور استفاده از فناوری‌های جدید در آموزش و پرورش تهیه می‌کند. محاسبات آموزشی دو بار در سال منتشر می‌شود و آرشیو نسخه‌های الکترونیکی آن در این پایگاه اینترنتی در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد:

acce.edu.au

۲. راهبری برنامه‌ریزی درسی: این مجله الکترونیکی را «هیئت خدمات آموزشی استرالیا» به عنوان نوعی ابزار آموزشی برای رهبران و انجمن‌های آموزش و پرورش استرالیا و نیوزیلند منتشر می‌کند. مخاطبان این مجله، کارکنان ارشد مدارس، مدیران آموزش و پرورش، آموزشیاران، مشاوران آموزشی، روزنامه‌نگاران و محققان هستند. این مجله همچنین برای ارتقای شغلی معلمان دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی سودمند است. محتویات مجله شامل سیاست‌گذاری‌های برنامه درسی، مدیریت و رهبری، فناوری، آموزش، حرفه معلمی و ارزیابی است و مقالات آموزشی در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. علاوه بر مطالب مذکور، در دوره راهنمایی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز به عنوان مرحله گذر از مدرسه به کار و آموزش عالی تحت پوشش قرار می‌گیرد. در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ این مجله به صورت هفتگی منتشر می‌شد، اما اکنون هر دو هفته یک بار در طول سال تحصیلی منتشر می‌شود و مخاطبان آخرین نسخه آن را از طریق ایمیل خود دریافت می‌کنند. این مجله در پایگاه اینترنتی زیر قابل دسترسی است:

cmslive.curriculum.edu.au

۳. پشتیبانی یادگیری: این مجله به مدت شش سال برای تبادل اطلاعات و حل مسائل مربوط به معلمان در انگلستان منتشر شد، اما از سال ۲۰۱۱ چاپ آن متوقف شده است. محتویات این مجله حاوی مقالاتی است که در موقعیت‌های گوناگون کلاسی، به معلمان راهنمایی‌هایی ارائه می‌کند. پایگاه اینترنتی مجله همچنان فعال است و ۳۹ نسخه از آن به صورت رایگان قابل دسترسی است:

learningsupport.co.uk

۴. آموزش فناوری برای تعلیم و تربیت: مجله‌ای است که فناوری را در خدمت آموزش، به ویژه در کلاس درس، مورد توجه قرار می‌دهد. در هر نسخه از این مجله، ضمن معرفی یکی از جدیدترین فناوری‌های آموزشی به معلمان انگلستان، جزئیات مربوط به نحوه استفاده و عملکرد آن محصول ارائه می‌شود. نسخه‌های الکترونیکی این مجله در پایگاه اینترنتی زیر قرار دارند:

teachingtechnology.co.uk

۵. نشریه بین‌المللی آموزش طراحی و فناوری: این مجله که در انگلستان تهیه می‌شود، حاوی مقالاتی است که معلمان و متخصصان آموزشی دوره‌های دبستان، راهنمایی و دبیرستان از سراسر جهان می‌نویسند و به دفتر نشریه ارسال می‌کنند. هر ساله سه نسخه از این مجله منتشر می‌شود که هر شماره حاوی پنج یا شش مقاله است. این مقالات که موضوع آن‌ها نقش فناوری در آموزش است، در پایگاه اینترنتی زیر قابل مشاهده هستند:

ojs.lboro.ac.uk

۶. مجله آموزش مؤثر: این مجله از سال ۱۹۹۶ به منظور ارتقای مهارت تدریس برای استادان دانشگاه‌ها و کالج‌ها راه‌اندازی شده است. «آموزش مؤثر» دو بار در سال، هم به صورت چاپی و هم به صورت آن‌لاین، منتشر می‌شود و مقالات مفیدی را برای تمامی معلمان دربردارد. هر نسخه حاوی مقالاتی با موضوعات آموزش، نوآوری‌های آموزشی و یادگیری و تجربیات کلاسی است. مجله مذکور در پایگاه اینترنتی زیر در دسترس است:

uncw.edu/cte/ET

۷. نشریه یادگیری دیجیتالی برای آموزش معلمان: این فصل‌نامه را «جامعه بین‌المللی فناوری در آموزش و پرورش» منتشر می‌کند و به نقش فناوری در آموزش معلمان، قبل از ورود به نظام آموزشی و آموزش‌های ضمن خدمت می‌پردازد. هدف از انتشار آن، به کارگیری فناوری در آموزش معلمان بین گروه‌ها، مدارس و کالج‌های آموزشی است و نسخه الکترونیکی آن در پایگاه اینترنتی زیر قابل دسترسی است:

iste.org/learn/publications/journals

۸. نشریه مدرسه ابتدایی: این فصل‌نامه را که بیش از ۱۰۰ سال قدمت دارد، «انتشارات دانشگاه شیکاگو» منتشر می‌کند. مخاطبان آن استادان تربیت معلم و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی هستند. در این مجله، هم مقالات نظری و هم تجربیات عملی معلمان گنجانده می‌شود. نسخه الکترونیکی مجله در پایگاه اینترنتی زیر قابل مشاهده است:

press.uchicago.edu

۹. مجله سوادآموزی و باسوادی: این مجله الکترونیکی را «شورای بازیابی خواندن آمریکا شمالی» از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۱۰ منتشر می‌کرد و موضوع آن به طور بین‌رشته‌ای، فراگیری زبان، سوادآموزی و همچنین موضوعات آموزشی در قالب نظری و عملی بوده است. مقالات این نشریه دیدگاه‌های چندگانه و نمونه‌های تحقیقاتی در حوزه‌های رشد کودک، زبان‌شناسی، سوادآموزی، روان‌شناسی، سیاست‌های آموزشی عمومی، جامعه‌شناسی، آموزش‌های ویژه و تربیت معلمان را دربرمی‌گیرد. هم‌اکنون آرشیو مقالات این مجله در پایگاه اینترنتی زیر قابل مشاهده است:

rrcna.org

۱۰. مجله بین‌المللی آموزش علوم و محیط زیست: همان‌طور که از نامش پیداست، این مجله به چاپ مقالات مربوط به آموزش علوم و مسائل مربوط به محیط زیست می‌پردازد. مقالات این مجله جنبه‌های روانی، اقتصادی، اجتماعی و مطالعات توسعه برنامه درسی را مورد توجه قرار می‌دهند. این مجله فضایی در اختیار متخصصان و محققان حوزه آموزش و پرورش قرار می‌دهد تا نتایج یافته‌های خود را به دانشجویان و معلمان انتقال دهند. مقالات مجله مذکور در پایگاه اینترنتی زیر قابل مشاهده هستند:

ijese.com



- پی‌نوشت
1. Australian Educational Computing
 2. Curriculum Leadership
 3. Learning Support
 4. Teaching Technology for Education
 5. Design and Technology Education: an International Journal
 6. The Journal of Effecting Teaching (JET)
 7. Journal of Digital Learning in Teacher Education
 8. The Elementary School Journal
 9. Literacy Teaching and Learning
 10. Reading Recovery Council of North America
 11. International Journal of Environmental and Science Education

خودباوری و تولید ملی

آموزش و پرورش و نقش آن در مصرف کالای ایرانی



کراهت داشته باشد. بدین ترتیب، ضرورت ایجاد می‌کند که آموزش و پرورش تولید ملی را به عنوان سرفصل تربیت اقتصادی نسل آینده، در برنامه‌ریزی‌های خود قرار دهد.

پس معلمان باید در کلاس‌های درس به دانش‌آموزان خود این نکته را بفهمانند که اگر بعد از تحصیلات به دنبال شغل و کسب و کار آبرومند هستید، باید کالای ایرانی مصرف کنید تا چرخه صنعت و تولید در مملکت ما متوقف نشود و کارخانه‌ها و مراکز تولیدی بتوانند با جذب نیروی کار به بیکاری انبوه جوانان پایان دهند. دانش‌آموزان ما باید به این نتیجه برسند که مصرف کالای داخلی اگر هم کمی از لحاظ کیفیت پایین‌تر از مشابه خارجی باشد. حداقل پول پرداختی ما باعث رونق اشتغال و کسب و کار جوانان ما در اشتغال می‌شود و البته این به معنای آن نیست که مردم چشم بسته کالای ایرانی بخرند، بلکه منظور آن است که مشتریان ضمن

هستند. این مسئولیت برعهده معلمان عزیز است که با استفاده از شیوه‌هایی از قبیل ایجاد سؤال در ذهن دانش‌آموزان، احیای روحیه خودباوری، آموزش به خانواده‌ها، احیای ارزش‌ها، ارائه الگوهای مناسب و تبلیغات درست، دانش‌آموزان را به مصرف کالاهای داخلی ترغیب و تشویق کنند. پس نظام تعلیم و تربیت کشورمان می‌تواند ضمن تقویت حس خودباوری ملی و دینی در مدیریت فرهنگ مصرف، الگوسازی و هویت‌بخشی به ترویج مصرف کالای داخلی در بین دانش‌آموزان و تبیین پیامدهای مصرف کالاهای خارجی را ایفا کند. آموزش و پرورش در راستای سیاست‌های سند چشم‌انداز باید روحیه کار و تولید را از همان دوران کودکی در دانش‌آموزان این مرزوبوم تقویت کند تا نسل آینده، نسلی پر تلاش و تولیدکننده باشد و در تولید ملی نقش ایفا کند؛ نسلی که در عین حال از مصرف کالای بیگانه

فرهنگیان به عنوان یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های اجتماعی، در تحولات جامعه نقش اساسی دارند و از آنجا که با طیف وسیعی از اجتماع سروکار دارند، می‌توانند بیشترین تحولات را ایجاد کنند.

مصرف کالاهای داخلی از مسائلی است که باعث توسعه و پیشرفت هر کشوری و به تبع آن رسیدن به استقلال همه‌جانبه می‌شود و فرهنگیان می‌توانند با آموزش صحیح به دانش‌آموزان در این زمینه بسیار راهگشا باشند. پس باید دانش‌آموزان را از همان دوران دبستان با نتایج مصرف کالاهای داخلی و رابطه آن با رشد و شکوفایی کشور آشنا کرد. معلمان که مهم‌ترین عنصر در آموزش و پرورش هستند، باید علل مصرف کالاهای خارجی و گرایش نوجوانان به آن‌ها را بدانند.

تقلید، ازخودباختگی روحی، تبلیغات نادرست، مدگرایی و غرب‌زدگی، از علت‌های مصرف کالای خارجی

خرید کالای ایرانی، عیب و ایراد آن را هم بگویند و انتقاد کنند، ولی دست از کالای ایرانی برندارند. تولیدکنندگان هم باید کالاهایی باکیفیت‌تر از کالای خارجی تولید کنند تا مشتریان به کالای خارجی تمایل پیدا نکنند. البته همه دستگاه‌های اجرایی و تصمیم‌گیر نیز باید از تولید داخلی و تولیدکننده داخلی حمایت کنند.

استفاده از روان‌شناسی در بحث الگوی مصرف

بهترین زمان آموزش فرهنگ استفاده از کالاهای داخلی دوران دبستان است و چنانچه این آموزش با شیوه مناسب و براساس اصول روان‌شناسی رشد صورت گیرد، دانش‌آموزان با مفاهیمی چون کالای ایرانی، فرهنگ صحیح مصرف و... آشنا می‌شوند و پس از رسیدن به قلمرو تحلیل در حیطه شناختی، میل استفاده از کالای ایرانی در حیطه عاطفی شکل می‌گیرد و مبارزه عملی با مصرف کالای خارجی و گرایش به مصرف کالای داخلی در آن‌ها افزایش می‌یابد. چنانچه این یادگیری تحقق یابد و دانش‌آموزان در این زمینه به حیطه روانی - حرکتی برسند، هدف عالی پیروزی و موفقیت در این جنگ نابرابر و خاموش به دست خواهد آمد.

آگاه بودن از نگرش‌های افراد نیز اهمیت زیادی دارد، زیرا در این صورت می‌توانیم رفتار آن‌ها را پیش‌بینی کنیم و بر آن‌ها کنترل داشته باشیم. نظریه‌پردازان نگرش معتقدند، نگرش‌ها به چند شیوه آموخته می‌شوند که عبارت‌اند از: تجربه مستقیم؛ صرف قرار گرفتن در معرض محرک‌ها؛ شرطی شدن کلاسیک؛ شرطی شدن کنشگر؛ یادگیری مشاهده‌ای یا الگو و سرمشق گرفتن؛ مقایسه اجتماعی.

براساس تحقیقات آزمایشگاهی و میدانی ثابت شده است که نگرش‌ها بر رفتار تأثیر دارند. البته عوامل و متغیرهای زیادی در میزان تأثیر نگرش‌ها بر رفتار دخالت می‌کنند که بیشتر آن‌ها یا به جنبه‌هایی از موقعیت یا به جنبه‌هایی از خود نگرش‌ها ربط دارند و یا به جنبه‌هایی از افراد مربوط می‌شوند. اگرچه نگرش‌ها ثبات و دوام قابل توجهی دارند، اما به هر حال امکان تغییر آن‌ها وجود دارد. در روان‌شناسی اجتماعی برای تغییر نگرش‌ها فنی معرفی شده که عبارت‌اند از: الگوی یادگیری (شامل نظریه محرک - پاسخ و نظریه مشوق‌ها و تعارض‌ها)؛ الگوی شناختی (شامل نظریه‌های تعادل، توافق و قضاوت اجتماعی)؛ الگوی روان‌کاوانه (شامل نظریه کارکردی). با استفاده از این یافته‌های علمی در زمینه اجتماعی و روان‌شناسی می‌توان امیدوار بود که معلمان بتوانند بر تغییر فرهنگ‌های نادرست جامعه در زمینه مصرف کالاهای خارجی همت گمارند و آن‌ها را در فراگیرندگان نهادینه کنند؛ به شرط آنکه از اصول تغییر، به خصوص تغییر نگرش‌های افراد، آگاه باشند و بدانند که این امر در زمان اندک حاصل نمی‌شود.

نقش الگویی معلم برای دانش‌آموزان

دانش‌آموزان از معلمان خود الگوگیری می‌کنند تا جایی که در سخن گفتن، تکیه کلام آن‌ها و در لباس پوشیدن و آرایش سر و صورت نیز از آن‌ها تقلید می‌کنند. به همین دلیل، استفاده از لباس، کفش، لوازم خانگی و دیگر کالاهای ایرانی توسط فرهنگیان می‌تواند در ترویج فرهنگ استفاده از کالای ایرانی

مؤثر باشد، زیرا متأسفانه بسیاری از لوازم تحریر و دیگر وسایل مورد نیاز دانش‌آموزان ایرانی از خارج وارد می‌شوند و این به آن معناست که ایرانی از کودکی می‌آموزد که از کالای خارجی استفاده کند. پس ضرورت دارد که فرهنگیان به این موضوع حساسیت بیشتری نشان دهند و دانش‌آموزان را در استفاده از کالای ایرانی تشویق و ترغیب کنند.

یکی از تجربه‌های موفق تاریخ معاصر در این زمینه که بسیار تأثیرگذار بوده است، مربوط به مهاتما گاندی (۱۸۶۹-۱۹۴۸م) رهبر فقید هندوستان است. گاندی بر این باور پافشاری می‌کرد که فردی که به جامعه خدمت می‌کند باید زندگی ساده‌ای داشته باشد. او بارد زندگی به شیوه غربی، هم در هزینه‌های غیرضروری صرفه‌جویی و هم ساده‌زیستی را دنبال می‌کرد. او حتی خود لباس‌هایش را می‌سخت و لباسی بر تن می‌کرد که مورد قبول فقیرترین افراد در هند و از پارچه تولید داخل موسوم به «خادی» بود. گاندی و پیروانش پارچه لباسشان را از نخ که خود می‌رستند تهیه و دیگران را نیز به این کار تشویق می‌کردند. گاندی معتقد بود، اگر هندی‌ها لباس‌های خود را خودشان تهیه کنند، ضربه اقتصادی سنگینی بر پیکره استعمارگران

استفاده از لباس، کفش، لوازم خانگی و دیگر کالاهای ایرانی توسط فرهنگیان می‌تواند در ترویج فرهنگ استفاده از کالای ایرانی مؤثر باشد



آسمان پرستاره

تحلیل اجزای درس‌های کتاب‌های پیام‌های آسمان

علی کاظمی

مؤلف کتاب‌های پیام‌های آسمان

در چند سال اخیر، کتاب‌های تعلیمات دینی دوره راهنمایی تحصیلی، پس از سه دهه، مورد بازنگری جدی قرار گرفته‌اند و به کتاب‌های پیام‌های آسمان تغییر نام یافته‌اند. حاصل این بازنگری، تألیف کتاب‌هایی با شیوه کاملاً متفاوت و مطالب متنوع‌تر و جذاب‌تر است. آنچه در این نوشته می‌آید، برای دقت بیشتر شما همکاران محترم است تا پس از آشنایی با دیدگاه‌های کارشناسان، از این مجموعه بهره بیشتری ببرید.

هر درس از کتاب به طور متوسط از هفت بخش تشکیل شده است که هر بخش کارکرد خود را دارد.



ورودیه

اولین بخش از بخش‌های هفت‌گانه درس‌های کتاب‌های پیام‌های آسمان ورودیه درس‌هاست. هر درس یک ورودیه دارد. نقش ورودیه جدا کردن دانش‌آموز از محیط قبل از کلاس است. نکاتی که در خصوص ورودیه به شما همکاران توصیه می‌کنیم عبارت‌اند از:

ورودیه حاوی مفاهیم اصلی درس است. لذا اختصاص زمان قابل توجهی را می‌طلبید. انتظار داریم شما برای ورودیه درس حداقل ۲۰ دقیقه وقت بگذارید. البته ورودیه‌ها با هم متفاوت‌اند و بعضی زمان بیشتری لازم دارند. اگر ورودیه به خوبی اجرا شود نیمی از اهداف درس از همین جا به بچه‌ها منتقل می‌شود.

از ورودیه‌ها در آزمون‌های پایانی و آزمون‌های کتبی استفاده کنید. متن ورودیه متن اصلی درس است و حاشیه‌ای نیست.

حتماً در اجرای ورودیه از دانش‌آموزان کمک بگیرید.

نتیجه‌گیری

حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی که مستلزم عبور از مشکلات و موانع اساسی است باید به نهضتی همه‌جانبه تبدیل شود تا سرمایه‌گذار ایرانی، به انگیزه کمک به اقتصاد ملی و معیشت هموطنانش، در کشور خود سرمایه‌گذاری کند و مردم و به خصوص جوانان از مواهب آن بهره‌مند شوند.

دستگاه‌های اجرایی و مردم باید با خرید کالاها و خدمات مورد نیاز خود از تولیدات داخلی، زمینه تشویق



تولیدکنندگان داخلی را فراهم آورند و آن‌ها برگزار شود.

– مسابقات انشا و روزنامه‌دیواری با محوریت حمایت از کالاها و ایرانی در بین دانش‌آموزان برگزار شود.

– در کتاب‌های درسی مدارس، به تناسب سن دانش‌آموزان، موضوعاتی در حمایت از مصرف کالاها و ایرانی گنجانده شود.

– آموزش و پرورش همایش‌ها و میزگردهایی در این باره برای فرهنگیان ترتیب دهد.

– دانش‌آموزان (خصوصاً در هفته مشاغل) به کارخانه‌ها و کارگاه‌های اطراف شهر برده شوند تا روحیه خودباوری و استفاده از کالای ایرانی در بین آنان تقویت شود.

– کارت‌هایی با عنوان‌های استفاده از کالای ایرانی بین فرهنگیان و دانش‌آموزان توزیع شوند.

– کارت‌هایی با عنوان‌های استفاده از کالای ایرانی بین فرهنگیان و دانش‌آموزان توزیع شوند.

حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی که مستلزم عبور از مشکلات و موانع اساسی است باید به نهضتی همه‌جانبه تبدیل شود تا سرمایه‌گذار ایرانی، به انگیزه کمک به اقتصاد ملی و معیشت هموطنانش، در کشور خود سرمایه‌گذاری کند و مردم و به خصوص جوانان از مواهب آن بهره‌مند شوند.

دستگاه‌های اجرایی و مردم باید با خرید کالاها و خدمات مورد نیاز خود از تولیدات داخلی، زمینه تشویق

انگلیسی در هند وارد خواهند آورد. در نتیجه این فکر، نشان چرخ نخریسی روی پرچم کنگره ملی هندوستان نقش بست. گاندی می‌گفت: «کلام محمد(ص) گنجینه عقل است نه تنها برای مسلمانان، بلکه برای کل بشریت.»

پس مصرف کالای داخلی باید در کشور به فرهنگی عمومی تبدیل شود و فرهنگیان طراح و سازنده این فرهنگ هستند. وقتی فرهنگ استفاده از تولید داخلی زنده شد، بی‌هویتی می‌میرد و خودباوری به اوج می‌رسد و مصرف کالای داخلی افتخار ملی می‌شود.

راهکارهای پیشنهادی برای تقویت فرهنگ استفاده از کالای ایرانی در بین دانش‌آموزان

– وزارت آموزش و پرورش به عنوان سکاندار تعلیم و تربیت باید در عقد قراردادهای استفاده از تجهیزات آموزشی حتماً تولیدکننده‌های داخلی را در اولویت قرار دهد.

– برای فرهنگیان دوره‌های ضمن خدمت با مفاهیم فرهنگ استفاده از کالاها و ایرانی گذاشته شود.

– از دانش‌آموزان و فرهنگیان خلاق که در زمینه تولید محتوای الکترونیکی و آموزشی فعال‌اند تقدیر و حمایت مالی شود و آثار آنان در نمایشگاهی در معرض دید عموم گذاشته شود.

– بین فرهنگیان مسابقاتی با عنوان‌های فرهنگ استفاده از کالای ایرانی گذاشته شود.

– برای آشنایی دانش‌آموزان و فرهنگیان با تولیدات داخلی و

گاندی معتقد بود، اگر هندی‌ها لباس‌های خود را خودشان تهیه کنند، ضربه اقتصادی سنگینی بر پیکره استعمارگران انگلیسی در هند وارد خواهند آورد. در نتیجه این فکر، نشان چرخ نخریسی روی پرچم کنگره ملی هندوستان نقش بست

محقق نشوند. از ۱۶ درسی که در کتاب داریم، بخش دوم ۱۳ درس را همکاران باید در یک جلسه کامل به دانش آموز ارائه دهند.

فعالیت کلاسی

فعالیت‌های کلاسی بخشی است که کتاب‌های جدید را از کتاب‌های قدیم، به لحاظ روشی، جدا کرده است. کتاب‌های قدیم فعالیت کلاسی نداشتند. این اختصاص به کتاب دینی هم ندارد. الان کتاب‌های تاریخ و فارسی هم به همین شکل هستند و چند سالی است که در تدوین کتاب‌های درسی این موضوع لحاظ شده است. ملاحظاتی که درباره فعالیت‌های کلاسی داریم شامل این موارد است:

فعالیت کلاسی آموزشی است و قالب پرسشی ندارد. اهدافی را که در هر درس ممکن است دانش آموز به آن‌ها کم توجهی کند و رد شود، در قالب فعالیت کلاسی، دوباره از دانش آموز سؤال می‌کنیم تا او برای پاسخگویی مجبور باشد در این باره فکر کند.

اجرای فعالیت‌های کلاسی و پاسخ دادن به آن‌ها وظیفه دانش آموز است. این نادرست است که معلم در کلاس خود موضوعی را به صورت پرسش مطرح کند تا بچه‌ها بنویسند. فعالیت‌های کلاسی بخشی از آموزش است. دانش آموز خودش باید با شما پیش بیاید. خیلی وقت‌ها سؤالاتی را مطرح می‌کنید ولی دانش آموز اشتباه می‌فهمد. هیچ اشکالی ندارد. اگر ۹۵ درصد دانش آموزان به فعالیت‌های کلاسی جواب غلط و دو نفر جواب درست دادند، همان دو جواب درست را برای همه دانش آموزان تکلیف می‌کنیم. تقاضا می‌کنیم تا جایی که امکان دارد خودتان به سؤال پاسخ ندهید و بگذارید دانش آموز نظر خودش را بنویسد.

پرسش‌های کلاسی در تمام آزمون‌های مستمر منبع سؤال است؛ شما می‌توانید در تمام امتحانات شفاهی یا کتبی ماهانه از تمام سؤالات کلاسی استفاده کنید. فقط یک استثنا دارد. یعنی در تمام امتحانات پایانی می‌توان از تمام پرسش‌های کلاسی استفاده کرد، به جز پرسش‌های باز. پرسش‌های باز یا واگرا پرسش‌هایی هستند که بیش

از یک پاسخ صحیح دارند. هر چه دانش آموز بگوید درست است. این پرسش‌ها نمی‌توانند جزو سؤالات امتحان پایانی باشند. سؤال‌های واگرا سؤالاتی هستند که دانش آموز باید فکر کند و نظر بدهد.

فعالیت‌های کلاسی حتماً باید در کلاس انجام شوند. چون فعالیت هر درس مقدمه‌ای است برای بخش خود. اگر دانش آموز این قسمت از درس را متوجه نشود بخش‌های دیگر را هم نمی‌تواند اجرا کند، زیرا یک حلقه از زنجیر آموزش دچار آسیب شده است.

خودت را امتحان کن

پاسخ دادن به سؤالات این بخش وظیفه دانش آموز است و نادرست است که دبیر خودش جواب آن‌ها را بدهد. انتظار می‌رود همکاران پاسخ‌های این جلسه را حتماً در جلسه بعد کنترل کنند؛ یعنی اگر امروز شما درسی را تدریس کردید و ۱۰ دقیقه آخر کلاس را وقت دارید، همان وقت به سؤال‌ها پاسخ ندهید. اجازه دهید جلسه بعد پاسخ‌ها بررسی شود. اجازه دهید دانش آموز برود، از پدر، مادر، خواهر، برادر یا دوستی بپرسد یا حتی خودش روی آن فکر کند و شما جلسه بعد جواب سؤال‌ها را بدهید. در کل کتاب حدود چهار پرسش از سؤال‌های «خودت را امتحان کن» داریم که در متن برای آن‌ها جواب تفهیمی وجود ندارد و پاسخ در متن کتاب نیست. یعنی این طور نیست که همکاری به دانش آموزان بگوید زیر آن قسمت خط بکشید که اینجا سؤال امتحان است. چون به طور معمول در هر کلاس ۱۰ درصد از بچه‌ها ضریب هوشی‌شان بالاتر از بقیه بچه‌هاست. این دانش آموزان مستعد خودشان جواب‌ها را راحت پیدا می‌کنند. اگر دانش آموز بتواند خودش به سؤالات جواب دهد، به معلم نیاز ندارد. لذا سه یا چهار سؤال در میان سؤالاتی قرار داده‌ایم که دانش آموز بداند بدون معلم نمی‌تواند جواب همه سؤال‌ها را بدهد. سه یا چهار سؤال در کتاب داریم که همکار باید دانش آموز را راهنمایی کند.

بیشتر بدانیم

بخش بیشتر بدانیم به همراه دو بخش دیگر بحث‌های حاشیه‌ای درس هستند. وقتی سؤالات را تمام کردیم، اهداف کلیدی درس هم تمام شده است. از اینجا به بعد حواشی درس مطرح می‌شود. وظیفه بخش بیشتر بدانیم تأمین اهداف عاطفی و گرایشی درس است؛ آنجا که قرار است

گرایشی در دانش آموز ایجاد شود. لازم به ذکر است:

بخش بیشتر بدانیم به هیچ عنوان در هیچ آزمونی مورد سؤال قرار نمی‌گیرد؛ نه آزمون‌های شفاهی نه کتبی. این بخش کاملاً آزاد است. دانش آموز می‌تواند آن را مطالعه بکند می‌تواند نکند. ما برای همکارانمان هیچ الزامی برای تدریس این بخش نداریم. نه توضیحش نه متنش. اگر زمان برای تدریس کم آوردید، برای بخش بیشتر بدانیم کمتر زمان بگذارید، چون دانش آموز خودش آن را مطالعه می‌کند.

پیشنهاد

پیشنهاد فعالیتی اختیاری است که دانش آموز بیرون از کلاس انجام می‌دهد. نکات قابل توجه این بخش عبارت‌اند از: اجرای این بخش برای دانش آموز اجباری نیست. اگر دانش آموزی این پیشنهادها را اجرا کرد، در هر نیمسال می‌توانیم حداکثر دو نمره به عنوان تشویق به او بدهیم.

از بخش پیشنهاد هیچ طرح سؤالی نداریم، چون جنبه الزامی نداشته است. متن خوانی، توضیح سؤال و بررسی جواب را در کلاس لازم نمی‌دانیم. لازم نیست شما توضیح را در کلاس بدهید. هیچ الزامی هم ندارد بررسی کنیم کدام سؤال درست است و کدام غلط. اگر زمان دارید خوب است این کارها انجام شود، ولی اگر زمان ندارید این بخش حاشیه‌ای است.

پیشنهادهای کتاب انحصاری نیست؛ یعنی این طور نیست که چون کتاب برای این درس پیشنهادی داده است شما به عنوان دبیر نتوانید خودتان به دانش آموز پیشنهاد دیگری بدهید. فقط باید توجه کنید طبق قوانین آموزش و پرورش، تکالیفی که معلم برای بیرون از کلاس به دانش آموز می‌دهد هیچ کدام الزامی نیست؛ چون پیشنهاد اختیاری است و نمی‌توانید پیشنهادات را الزامی کنید. مهم این است که دانش آموز به اهداف کتاب رسیده باشد.

نیایش

آخرین بخش از بخش‌های هفت‌گانه کتاب درسی جمع‌بندی است. نکات قابل توجه در این بخش عبارت‌اند از: جمع‌بندی کتاب‌های قبلی به صورت خلاصه درس بود. کتاب‌های جدید هم جمع‌بندی دارد، ولی قالب آن فرق کرده است. جمع‌بندی کتاب جدید به صورت مناجات است. نیایش‌هایی که آخر هر درس می‌آید جمع‌بندی آن درس است.

سؤال‌های واگرا سؤالاتی هستند که دانش آموز باید فکر کند و نظر بدهد

بخش نیایش مثل بخش‌های قبل الزام تدریس ندارد. متن خوانی در کلاس ندارد. طرح سؤال هم از آن نمی‌شود. می‌توان در ابتدای ساعت کلاس از یکی از دانش آموزان خوش صدا خواست آن را برای همه بخواند. وقتی درس تمام شد هم می‌توان یک فعالیت به دانش آموزان داد تا یک بار دیگر مناجات را مرور کنند تا ببینند که با کدام بخش درس ارتباط دارد. این فعالیت خوبی برای بچه‌هاست و باعث می‌شود دانش آموز درس را یک مرتبه برای خودش مرور کند. اجزای بخش مناجات با کل درس مرتبط است.





پیام‌های آسمان چه پیامی دارند؟

رویکردهای جدید در کتاب‌های پیام‌های آسمان

در کتاب‌های تعلیمات دینی دورهٔ راهنمایی تحصیلی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸، کتاب سال اول ۲۲ درس داشت، کتاب‌های دوم و سوم هر کدام ۲۰ درس. یعنی دانش‌آموز دورهٔ راهنمایی روی هم رفته ۶۲ درس دینی یا ۶۲ موضوع می‌خواند. در کتاب‌های جدید از آن ۶۲ موضوع ۳۰ موضوع حذف شده و موضوعات جدید به جایشان آمده‌اند. پس ۳۲ موضوع هم بین کتاب‌های جدید و قدیم مشترک است. در کتاب‌های سابق درس خدانشناسی داشتیم، الان هم داریم. خدانشناسی، معاد، تیمم و وضو. این‌ها بحث‌های مشترک هستند. برخی مباحث نیز حذف شده‌اند؛ مثل حج، خمس و زکات. رویکردهای کتاب‌های جدید را در سه دسته می‌آوریم:

رویکرد توصیفی در مباحث اعتقادی

دربارهٔ دروس مشترک باید بگوییم درس‌هایی داشتیم که در کتاب‌های پیشین بوده و حالا هم هست، اما با زاویهٔ نگاه جدید آمده است. اگر درس خدانشناسی را با همان شیوه دوباره تدریس کنیم، دانش‌آموز به اشکال برمی‌خورد، چرا؟ در آن کتاب‌ها چهار درس خدانشناسی در کل دورهٔ راهنمایی داشتیم. با این درس‌ها می‌خواستیم بگوییم دنیا مجموعه‌ای منظم است و هر مجموعهٔ منظم به ناظمی نیاز دارد. دنیا یک پدیده است. بنابراین، هدف اثبات اصل وجود خداوند تبارک و تعالی بود. در تمام این دروس یک هدف را دنبال می‌کردیم و آن اینکه خدا هست.

شما در دوران تدریس خودتان چند دانش‌آموز سراغ دارید که پیش فرض ذهنی‌شان انکار خدا باشد. موضوع خدانشناسی فطری است. دانش‌آموز در دوران طفولیت و کودکی و پیش از بلوغ هیچ تردیدی در این باره ندارد. بچه‌ها یک سال بعد از بلوغ جسمی‌شان، میانگین ۱۴ سالگی برای دختران و آغاز ۱۶

سالگی برای پسران، شروع می‌کنند به شک کردن دربارهٔ هر چیزی که در ذهنشان وجود دارد. موضوعات فطری در دوران کودکی و نوجوانی به اثبات نیاز ندارند. رویکرد فطرت‌گرا یکی از اصلی‌ترین رویکردهای کتاب دورهٔ متوسطه است. رویکرد فطرت‌گرا یک پیام دارد: آنچه را دانش‌آموز به آن معتقد است اثبات نکنید. در کتاب‌های درسی فعلی درس‌های توحید و خداپرستی داریم، اما اثبات نداریم. رویکرد این کتاب‌ها آموزشی است، کاری به محتوا ندارد. مثال بحث معاد را عرض می‌کنم. سؤال‌های دانش‌آموزان در حیطهٔ معاد چیست؟ می‌گوید خانم اجازه! برزخ چگونه است؟ آقا اجازه! فلان جور آدم‌ها در قیامت به چه شکل‌اند؟ آدم در برزخ به چه شکل است؟ در قبر چه اتفاقی می‌افتد؟ دانش‌آموز از شما اثبات نمی‌خواهد، هیچ‌وقت نمی‌خواهد اثبات کنید که آدمی بعد از مرگ برانگیخته می‌شود.

اصل موضوع معاد فطری است و انسان بدون استدلال آن را قبول دارد. باید دانش‌افزایی کنیم. باید آنچه را دانش‌آموز نمی‌داند به او یاد بدهیم. در موضوع توحید هم همین‌طور است. در کتاب‌های جدید دربارهٔ خدانشناسی دو گزینه را به سه گزینه تبدیل کرده‌ایم. کتاب‌های قبلی می‌گفتند: «خدا هست».

دو گزینه بود. دو واژه کنار هم بود. این را به سه گزینه تبدیل کرده‌ایم:

خدا ناظر است.

خدا غفور است.

خدا حکیم است.

رویکرد انگیزه‌بخشی در مباحث احکام

درس‌های احکامی کتاب همگی برای دو جلسه طراحی شده‌اند؛ چون بخش اول در قالب اول موضوع اعتقادی و اخلاقی است، بخش دوم تمرین احکام است. مثلاً در درس روزه، ابتدا در باب فضیلت ماه مبارک رمضان صحبت

کرده‌ایم. بعد ثمرات روزه را و در بخش بعدی آن احکام روزه را بیان کردیم.

خدا انسان را معرفی کرده است. می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ. وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ. وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (عادیات/۸-۶).

انسان براساس فطرت دنبال منفعت و کارهای مفید است. فرد اگر منفعت نداشته باشد کاری نمی‌کند. این را خداوند می‌گوید. خدایی که آدم را این‌طور آفریده است اگر فرموده «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ» (بقره/۱۸۳)، در ادامه می‌گوید: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» برای اینکه تقوا پیشه کنید.

این همه آیات که در قرآن برای انداز آمده است چیست؟ برای اینکه انگیزه بدهد به مردم. اگر بهشت و جهنم نباشد، چقدر از مردم حاضرند عبادات را انجام دهند؟ چند درصد از دانش‌آموزان در درس دینی نمرهٔ خوب می‌گیرند؟ حال چند درصد از آن‌ها در نمازخانهٔ مدرسه مرتب

شُرکت می‌کنند و نماز می‌خوانند؟ همیشه عده‌ای هستند که یاد می‌گیرند، ولی عمل نمی‌کنند. در کتاب جدید تلاش شده است دربارهٔ روزه، نماز و همهٔ احکام، حتماً انگیزه‌سازی در بخش اول قرار داده شود. لذا تأکید می‌کنیم که بخش اول را حتماً باید در جلسه‌ای مجزا مطرح کنیم. حتی دو جلسه برای آن بگذاریم.

رویکرد فعال‌سازی دانش‌آموزان در

فرایند تدریس

کتاب‌ها با روش تدریس فعال نوشته شده‌اند؛ یعنی قرار نیست نویسنده یا گوینده معلم خودش را تنها فرض کند. این روش تألیف فعال نتیجه‌اش می‌شود روش تدریس فعال در کلاس. روش تدریس فعال موضوع پیچیده‌ای نیست. این روش ملاکی دارد. روش تدریس فعال هر روشی است که مشارکت دانش‌آموز در تدریس را به همراه داشته باشد. برای اجرای روش فعال از معلم انتظار داریم عواملی را در نظر بگیرد:



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

((به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند))

رشد نو رنگ (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دورهٔ دبستان)

رشد نو آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دورهٔ دبستان)

رشد دانش‌پژوه (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دورهٔ دبستان)

رشد نو جوان (برای دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی تحصیلی)

رشد جوان (برای دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

((به صورت ماه نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند))

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ♦ رشد تکنولوژی

آموزشی ♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

((به صورت فصلنامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند))

- ♦ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی تحصیلی)
- ♦ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه)
- ♦ رشد آموزش قرآن
- ♦ رشد آموزش معارف اسلامی
- ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- ♦ رشد آموزش هنر
- ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه
- ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
- ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی
- ♦ رشد آموزش تاریخ
- ♦ رشد آموزش جغرافیا
- ♦ رشد آموزش زبان
- ♦ رشد آموزش ریاضی
- ♦ رشد آموزش فیزیک
- ♦ رشد آموزش شیمی
- ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی
- ♦ رشد آموزش زمین‌شناسی
- ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای
- ♦ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

در کتاب جدید تلاش شده
است دربارهٔ روزه، نماز و همهٔ
احکام، حتماً انگیزه‌سازی در
بخش اول قرار داده شود



در اولین جلسه دانش‌آموزان را گروه‌بندی کنیم. خیلی از دانش‌آموزان هیچ وقت در کلاس دستشان را بالا نمی‌آورند. هیچ وقت با معلم حرف نمی‌زنند. در حالی که همان دانش‌آموز با بغل دستی‌اش حرف می‌زند. گروه‌بندی باعث می‌شود بچه‌های ساکت هم در درس شریک شوند. با شما حرف نمی‌زنند اما با دوستانشان حرف می‌زنند. گروه‌ها باید بین چهار تا شش نفر باشند. گروه بیش از شش نفر دیگر استاندارد نیست.

در روش فعال این عامل مهم است که ۲۰ دقیقه در کلاس خودمان حرف زنیم و اجازه بدهیم دانش‌آموز حرف بزند. بعضی از همکاران وقتی دانش‌آموز شروع به توضیح درس می‌کند و کمی اشتباه می‌کند فوراً رشتهٔ سخن را از او می‌گیرند و می‌گویند گوش کن این موضوع را همین طور که من می‌گویم بگو. در حالی که اگر دانش‌آموز دو کلمه نادرست می‌گوید نباید او را مؤاخذه کنیم.

در کتاب‌های جدید پیام‌های آسمان می‌کوشیم، با رعایت و در نظر گرفتن این سه رویکرد، دانش‌آموز را به موضوع دین علاقه‌مند کنیم و به سؤالات او دربارهٔ دین پاسخ دهیم.



تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوهٔ اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبهٔ سهراب آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگهٔ اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شدهٔ اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

♦ نام مجلات در خواستی:

.....

♦ نام و نام خانوادگی:

.....

♦ تاریخ تولد:

.....

♦ تلفن:

.....

♦ نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان: خیابان:

شمارهٔ فیش: مبلغ پرداختی:

.....

پلاک: شمارهٔ پستی:

.....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شمارهٔ اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
♦ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
♦ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

♦ هزینهٔ اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۱۲۰۰۰۰ ریال
♦ هزینهٔ اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۸۰۰۰۰ ریال

شمارهٔ ۴
دی ۹۱
دورهٔ ۱۸